

نقش بهینه بانک مرکزی در برابر دولت و در جریان توسعه اقتصادی

مقدمه:

استفاده از اوراق قرضه ملی جهت وام‌گیری داخلی دولت به مراتب متداولتر است.

انگیزه اصلی وام‌گیری دولت پوشش کسریهای بودجه‌ای است و در بیشتر موارد حجم قابل ملاحظه‌ای از منابع از طریق بانک مرکزی تأمین می‌شود. به این ترتیب پیوندی خاص بین سیاست‌گذاران پولی و مالی پدیدار می‌گردد. گفته می‌شود علت آن نیازهای توسعه‌ای کشور است هرچند که این پیوند می‌تواند عواقبی بس ناخوش‌آیند داشته باشد.

فرض کلی براین است که دولت باید مجری سیاست مالی باشد و این سیاست باید تمام نیروی خود را بر حفظ اشتغال کامل در اقتصاد متمرکز سازد. در مقابل، بانک مرکزی باید مجری سیاست پولی و هدف این سیاست باید بر حفظ ثبات قیمت‌ها متمرکز باشد. در تنظیم سیاست‌ها نیز بعد مطلوب زمان یکسان نیست. بانک مرکزی باید سیاست‌های پولی را با در نظر گرفتن حرکت بلند مدت قیمت در اقتصاد تنظیم کند، حال آنکه دولت به جهت بینش سیاسی خود باید سیاست‌هایی را برگزیند که در کوتاه مدت آثار مطلوب

بدهیهای خارجی کشورهای جهان سوم و بدهکاری جهان به طور عام یکی از مشکلاتی است که امروز توجه همه دست‌اندرکاران را به خود معطوف داشته است. با وجود این هنوز هر زمان که سخن از بدهکاریها به میان می‌آید، موضوع بدهیهای داخلی و پیامدهای آن کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد به عنوان نمونه فقط چندسالی است که بدهیهای داخلی دولت در ایالات متحد مد نظر قرار گرفته و وجود کسری هنگامت در بودجه دولت به عنوان یک عارضه نامطلوب ملاک ارزشیابی ملی واقع شده است.

متأسفانه وجود مبالغ هنگفت بدهیهای داخلی، خاص کشورهای توسعه یافته جهان نیست و کشورهای در حال توسعه نیز با آن دست به گریبانند. نکته در این است که در کشورهای اخیر بازار سرمایه به صورتی ابتدایی عمل می‌کند و نبودن نهادهای مالی جا افتاده سبب می‌شود که دولت به طور عمده برای تأمین کسری بودجه خود به سازمانهای پولی و بانکی کشور رو آورد، در حالی که در کشورهای توسعه یافته

در کشورهای در حال توسعه مشاهده شده است، که بودجه به عنوان یک حساب جاری از فعالیتهای مالی ملاک تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد و حجم کل بدهکاریهای دولت در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند. در این قالب است که وام‌گیری از بانک مرکزی بدون در نظر گرفتن توان پرداخت دولت، ادامه می‌یابد.

به این ترتیب، مشاهده می‌شود که معیارهای متعارف شناخت وضع مالی کشور و اندازه‌گیری عدم تعادل بودجه دولت لزوماً بیان‌کننده واقعیات اقتصادی نیست و در مواردی بانک مرکزی باتصور کمک به توسعه اقتصادی وظایف بودجه‌ای را برعهده می‌گیرد و از این راه پذیرای فشارهایی می‌شود که در واقع منشاء مالی دارد. در حالت اخیر، دولت بار خود را بر دوش مسئولان پولی کشور می‌اندازد و امکان می‌یابد تا مبالغ بیشتری منابع داخلی بدست آورد.

در مقاله حاضر دو هدف دنبال می‌شود: اول بررسی نظری راه‌های نفوذ سیاست‌های مالی در تصمیم‌گیری پولی از طریق شناخت و ارزیابی حسابهای دولت و بانک مرکزی و بررسی راه‌های نفوذ دولت در منفع‌سازی بانک مرکزی. دوم شناخت اهمیت استقلال بانک مرکزی و ارزیابی امکانات بانک به عنوان مقام پیشگام در توسعه اقتصادی کشور.

قالب عملیاتی دولت

نقش کلّی دولت در اقتصاد و دامنه فعالیت آن را معتقدات اجتماعی اقتصادی و سیاسی جامعه معین می‌کند. به این ترتیب دولت می‌تواند در دو فاصله تصمیم‌گیر مطلق و یکی از عوامل فعال در اقتصاد عمل کند. در اغلب کشورهای در حال توسعه، نقش دولت به صورت عامل فعال ساز و جهت‌دهنده مشخص می‌شود که در مواردی هم کنترل پاره‌ای از فعالیتها را برعهده دارد. هر قدر پوشش کنترل دولت فراگیرتر باشد، امکان بهره‌گیری آن از منابع مالی اقتصاد بیشتر می‌شود.

آنها بر اشتغال‌آشکارگرود. در هر صورت کسری بودجه به نرخ واقعی رشد اقتصاد و سیاستهای خودکار درونی تثبیتی^۱ بستگی دارد.

در کشورهایی مانند ایران که جدا کردن کامل حرکت‌های پولی و مالی به دلیل وجود درآمدهای ارزی دولت-مثل درآمد نفت-امکان‌پذیر نیست، ورود دارایی خارجی به جهت عملیات دولت (دریافت ارز حاصل از صادرات نفت)، الزاماً به افزایش حجم پول می‌انجامد بنابراین سیاست ارزشیابی پول ملی هر چه باشد، بانک مرکزی در این قبیل کشورها باید برای کنترل پایه پولی ترکیبی از تصمیم‌گیریهای مربوط به مدیریت ارزی و مدیریت ریالی (پول ملی) را در هم بیامیزد. به این ترتیب، بانک مرکزی نمی‌تواند با استقلال کامل عمل کند و تنها می‌تواند به پاره‌ای آثار نفوذ دولت در شبکه پولی تخفیف ببخشد.

در حالتی که بانک مرکزی مجبور می‌شود به جای دولت برخی از عملیات مالی و بودجه‌ای را انجام دهد یا فعالیتهایی داشته باشد که تأثیری مشابه سیاست مالی دارند، پاره‌ای از عملیات شبه بودجه‌ای^۲ صورت می‌پذیرد در این حالت، کسر بودجه به مراتب کمتر از رقم واقعی آن بنظر می‌رسد و دولت امکان می‌یابد تا با تحمیل بار بدهیهای خود بر دوش مقامات پولی، وضع مالی را به مراتب مقبولتر از واقع جلوه‌گرسازد.

مالکیت کامل یا بخشی از سهام بانک مرکزی توسط دولت در بیشتر کشورها سبب می‌شود که همه ساله دولتها مبالغی تحت عنوان سهم دولت از سود بانک مرکزی دریافت دارند. بنابراین مادام که بانک مرکزی سود ده باشد، دولت از این بابت نیز بار بدهیهای خود را سبک‌تر می‌سازد در حالی که در بیشتر موارد دولت تعهدی در برابر زیان دهی بانک مرکزی متقبل نمی‌شود. به این ترتیب، دولت قادر است تحمیلی یک جانبه بر بانک مرکزی و سیاستهای پولی وارد آورد.

(1) Built - in Automatic Stabilization Policies.

(۲) منظور Quasi-Fiscal Operations است. عملیات شبه بودجه‌ای به تفصیل در گزارش بحث می‌شود.

تصویری که از حساب بودجه بدست می‌آید، بالا رفتن نسبت تأمین منابع از طریق وام‌گیری را نشان می‌دهد. تأمین منابع از طریق کسری بودجه از مرز ۵۰ درصد پافراتر گذاشته است با وجود این، تصویر مورد بحث به مراتب خوش‌بینانه‌تر از واقعیتاتی است که در اقتصاد وجود دارد.

بازپرداخت نشدن بدهیهای دولت از طریق به تعویق انداختن قانونی یا اجباری سررسید اقساط به سررسید رسیده و منظور نکردن آن بدهیها در بودجه‌های سالهای متوالی، وضعی رابوجود آورده که سنگینی بار بدهیهای دولت از نظر پنهان مانده است. آمارهای موجود از بدهیهای داخلی دولت نوسان گسترده‌ای دارد در بهترین حالت برآوردی از بدهیهای دولتی به بانک مرکزی می‌توان ارائه داد که تا حدی قابل اطمینان است. (جدول شماره ۲)

رقم بدهیهای بخش عمومی به بانک مرکزی در پایان سال ۱۳۶۴ بیش از دو برابر هزینه‌های بودجه‌ای آن سال و ۲/۵ برابر درآمدهای بودجه‌ای سال ۱۳۶۴ بود. این وضع در حالی مشاهده شد که ۱۷/۷ درصد از هزینه‌های بودجه‌ای از محل کسری تأمین می‌شد. افت جدی قیمت نفت بعد از سال ۱۳۶۵ دست کم نشانه تداوم بالا رفتن نسبت بدهکاریهای دولت است.

به طور خلاصه، قالب کلی عملیاتی دولتی نشان دهنده استفاده بسیار گسترده از منابعی است که در هر صورت نمی‌توانند متعلق به دولت باشد. وام‌گیری همه جانبه از منابع داخلی به شکلهای گوناگون بار سنگینی از بدهیها را موجب شدن نشانده‌ای هم از مفید بودن مصارف وابسته به وام وجود نداشت. به عنوان مثال، بیش از ۸۰ درصد از پرداختهای بودجه‌ای سالهای اخیر ماهیت جاری داشته است. اگر درصد هزینه‌های جاری در بودجه عمرانی نیز بر این رقم افزوده شود، درصد مزبور به مراتب بزرگتر خواهد شد. در قالب اخیر است که مسئله تحمیل عملیات پولی باید به دقت ارزیابی شود.

قالب کلی عملیات دولت را لایحه بودجه مشخص می‌کند. بودجه یک حساب جاری است که در آن دریافتها و پرداختهای دولت و شرکتهای و مؤسسات دولتی در طول سال بودجه‌ای به تفکیک بیان می‌شود، نظر به اینکه بودجه یک حساب است و بنابه تعریف هر حساب باید همیشه در حال تراز باشد، دو طرف بدهکار و بستانکار حساب بودجه دولت هم در همه حال تراز است. به این ترتیب معنی و مفهوم کسری بودجه را خارج از عرف حسابداری و در چارچوب خواستها و برنامه‌ریزیهای اقتصادی باید مشخص کرد.^۳

تعریفی از کسری بودجه که تاکنون مد نظر قرار دارد، شکاف بین دریافتی و پرداختی دولت است که باید با توسل به وام‌گیری پر شود و بالطبع وام‌گیری در اینجا وام‌گیری از داخل و از خارج را در بر می‌گیرد.^۴

به این ترتیب تعریف کسری بودجه بر اساس ثبت اقلام بودجه‌ای به صورت نقدی عبارت است از تفاوت بین «هزینه‌ها و مخارج نقدی دولت و از جمله هزینه‌های پرداخت بهره بدهیها، بدون هزینه پرداخت اقساط اصل بدهیهای دولتی» با «کل دریافتیهای نقدی که شامل درآمدهای مالیاتی، غیر مالیاتی و کمکهای دریافتی اما بدون وام‌گیریها می‌باشد».

این قالب کلی، در بودجه سالهای مختلف دولت در ایران کم و بیش رعایت شده است. در طرف درآمدها، اقلام مربوط به وام‌گیری ثبت نمی‌شود و به زیر خط انتقال داده می‌شود. حال آنکه در طرف هزینه‌ها، بازپرداخت وامهای داخلی و خارجی شامل بازپرداخت اصل و بهره وامهای خارجی است. به این ترتیب، شکاف بین هزینه و درآمد اندکی بیش از تعریف بالا ذکر می‌شود. در سالهای اخیر، به دلیل بازپرداخت نشدن کلی وامهای داخلی و پایین آمدن میزان وامهای خارجی، درصد انحراف کسری بودجه‌ای دولت ایران از تعریف بالا به مراتب کوچکتر شده است. (جدول شماره ۱)

(۳) برای بررسی آثار و مفاهیم مختلف کسری بودجه مراجعه شود به مقاله خلعت بری، مأخذ شماره ۳ در فهرست منابع فارسی.

(۴) این تعریف در دستورالعمل تنظیم آمارهای دولت (Government Finance Statistics) از انتشارات صندوق بین‌المللی پول، سال ۱۹۸۶، نیز پذیرفته شده است.

جدول شماره ۱: درآمد، هزینه و کسری بودجه دولت (میلیارد ریال)

| کسری | هزینه | درآمد | |
|---------|---------|----------------------|------|
| ۱۳/۲ | ۴۷۸/۰ | ۴۶۴/۸ | ۱۳۵۲ |
| ۱۴۰/۰ | ۱،۲۵۴/۴ | ۱،۳۹۴/۴ | ۱۳۵۳ |
| ۱۹۳/۸ | ۱،۷۷۵/۹ | ۱،۵۸۲/۱ | ۱۳۵۴ |
| ۱۶۹/۸ | ۲،۰۰۶/۲ | ۱،۸۳۶/۴ | ۱۳۵۵ |
| ۴۵۸/۰ | ۲،۴۹۲/۲ | ۲/۰۳۴،۴۲ | ۱۳۵۶ |
| ۶۰۹/۸ | ۲،۲۰۷/۸ | ۱،۵۹۸/۹ | ۱۳۵۷ |
| ۵۲۸/۳ | ۲،۲۲۷/۹ | ۱،۶۹۹/۶ | ۱۳۵۸ |
| ۹۷۲/۵ | ۲،۲۹۸/۴ | ۱،۳۲۵/۹ | ۱۳۵۹ |
| ۱،۰۵۵/۵ | ۲،۷۰۷/۱ | ۱،۶۵۱/۶ ^۱ | ۱۳۶۰ |
| ۶۷۳/۰ | ۳،۱۶۷/۲ | ۲،۴۹۴/۴ ^۱ | ۱۳۶۱ |
| ۱،۰۹۲/۶ | ۳،۶۷۲/۳ | ۲،۵۹۷/۷ ^۱ | ۱۳۶۲ |
| ۵۳۵/۷ | ۳،۳۵۳/۶ | ۲،۸۱۷/۹ ^۱ | ۱۳۶۳ |
| ۵۸۷/۶ | ۳،۳۱۳/۲ | ۲،۷۲۵/۶ ^۱ | ۱۳۶۴ |
| ۲،۴۱۷/۹ | ۳،۱۵۶/۸ | ۱،۷۳۸/۹ | ۱۳۶۵ |

مأخذ: ترازنامه و گزارش سال بانک مرکزی بر اساس آخرین تاریخ انتشار ارقام.
 (۱): درآمد عبارت است از رقم درآمد دولت براساس مآخذ رقم پس از تعدیل بابت پیش - پرداخت فروش نفت.

قالب عملیاتی بانک مرکزی

به عنوان یک قاعده کلی، بانکهای مرکزی حوزه عملی متفاوت باحوزه قدرت دولت دارند^۶ عواملی تاریخی و نهادی در پس این تفکیک قرار گرفته اند و در هر صورت دلایل ماهوی جدایی بین سیاستهای پولی و مالی نیاز به بحث دارد. در دنیای امروز، درصد کشورهای پوی و ابستگی بین سیاستهای پولی و مالی آنان وجود دارد، به مراتب بیش از درصد کشورهای است که در آنها این دو سیاست به کلی مستقلند.

شاید بتوان ادعا کرد که تمام عملیات بانکهای مرکزی ماهیت شبه بودجه ای دارند، زیرا دست کم به صورت غیرمستقیم، بر منابع مالی دولت اثر می گذارند. با وجود این، به صرف ادعای بالا، نمی توان تمام عملیات پولی بانک مرکزی را مشابه عملیات مالی تلقی کرد. تداخل حسابهای دولت و بانک مرکزی به طور کلی نباید مبنای تصمیم گیری و برنامه ریزی باشد، هرچند که دولت باید به همان میزان که در منافع بانک مرکزی شریک است پذیرای زیانهای وارد آمده به بانک نیز باشد. بر این اساس لازم است حد و مرز بین عملیات

(۶) نظر به وضع خاص جهان مدتی است که هماهنگی کلی بین سیاستهای پولی و مالی در چارچوب بین المللی مطرح شده است. در صورتی که لزوم این همسازی مورد قبول باشد، آن وقت جدایی حوزه عملیاتی بانکهای مرکزی از دولت نکته ای است که نیاز به ارزیابی بیشتر دارد. این موضوع در حال حاضر در سطح بین المللی مطرح است، اما در قالب بررسی حاضر از بحثهای هواداران و مخالفان این موضوع خودداری شده است.

جدول شماره ۲: مانده بدهیهای دولتی به بانک مرکزی (میلیارد ریال)

| با تنخواه گردان | کل (۱) بدون تنخواه گردان | تنخواه گردان | بانکها | شهرداریها | دستگاههای دولتی | اوراق بهادار دولتی | دولت | |
|-----------------|--------------------------|--------------|--------|-----------|-----------------|--------------------|---------|------|
| ۲۷۷/۱ | ۲۷۳/۸ | ۳/۳ | ۳۸/۲ | ۱/۲ | ۳۳/۳ | ۱۱۰/۵ | ۹۰/۶ | ۱۳۵۲ |
| ۳۳۹/۰ | ۳۳۲/۵ | ۶/۵ | ۲۳/۹ | ۲/۱ | ۱۵۵/۲ | ۴/۱ | ۱۴۷/۲ | ۱۳۵۳ |
| ۵۰۴/۴ | ۴۹۵/۷ | ۸/۷ | ۷۶/۸ | ۵/۰ | ۲۶۶/۸ | ۷/۸ | ۱۳۹/۳ | ۱۳۵۴ |
| ۸۰۶/۷ | ۷۹۲/۸ | ۱۳/۹ | ۱۳۳/۳ | ۵/۴ | ۴۶۱/۳ | ۲۹/۷ | ۱۶۳/۱ | ۱۳۵۵ |
| ۷۷۷/۹ | ۷۶۰/۶ | ۱۷/۳ | ۱۶۱/۹ | ۵/۴ | ۳۵۴/۴ | ۹۵/۸ | ۱۴۳/۱ | ۱۳۵۶ |
| ۱،۳۴۶/۳ | ۱،۳۲۶/۷ | ۱۹/۶ | ۱۸۴/۸ | ۱۱/۸ | ۴۶۹/۵ | ۱۰۷/۶ | ۵۵۳/۰ | ۱۳۵۷ |
| ۱،۸۱۶/۳ | ۱،۷۸۰/۵ | ۳۵/۸ | ۲۲۹/۸ | ۱۲/۶ | ۵۹۹/۴ | ۱۶۸/۸ | ۷۶۹/۹ | ۱۳۵۸ |
| ۲،۸۱۴/۱ | ۲،۷۷۵/۸ | ۳۸/۰ | ۳۵۵/۹ | ۰/۰ | ۵۶۲/۳ | ۱۲۳/۲ | ۱،۷۳۴/۴ | ۱۳۵۹ |
| ۳،۶۲۸/۸ | ۳،۵۸۸/۱ | ۴۰/۷ | ۳۸۰/۹ | ۰/۰ | ۵۹۸/۹ | ۲۷۱/۷ | ۲،۳۳۶/۶ | ۱۳۶۰ |
| ۴،۴۷۲/۶ | ۴،۴۲۳/۱ | ۴۹/۵ | ۴۱۵/۹ | ۰/۰ | ۵۲۷/۵ | ۱۶۲/۸ | ۳،۳۱۶/۹ | ۱۳۶۱ |
| ۵،۳۷۹/۲ | ۵،۳۲۲/۶ | ۵۶/۶ | ۴۱۱/۵ | ۰/۰ | ۶۵۸/۵ | ۱۷۰/۷ | ۴،۰۸۱/۹ | ۱۳۶۲ |
| ۶،۲۰۲/۱ | ۶،۱۴۸/۰ | ۵۴/۱ | ۴۵۲/۰ | ۰/۰ | ۶۵۸/۳ | ۲۷۴/۰ | ۴،۷۶۳/۷ | ۱۳۶۳ |
| ۶،۷۷۳/۶ | ۶،۷۱۶/۷ | ۵۶/۹ | ۲۹۸/۹ | ۰/۰ | ۶۹۲/۶ | ۷/۸ | ۵،۷۱۷/۴ | ۱۳۶۴ |
| ۸،۳۸۲/۲ | ۸،۳۰۷/۲ | ۷۴/۴ | ۲۲۰/۶ | ۵/۰ | ۶۲۶/۱ | ۱۰۱/۴ | ۷،۳۵۴/۷ | ۱۳۶۵ |

مأخذ: ترازنامه و گزارش سال بانک مرکزی براساس آخرین سال انتشار. به نظر می رسد که رقم واقعی بدهی دولت بین کل بدون تنخواه گردان و کل با تنخواه گردان قرار داشته باشد. ارقام بالا دقیق نیست، اما ارقام رسمی انتشار یافته است.

قبیل عملیات، در واقع کارهایی را پذیرا می شوند که جزو وظایف دولت‌های مرکزی است و هر نوع بار مالی این عملیات هم باید جزو بدهیهای دولت باشد.

برای شناخت عملیاتی که جزو عملیات پولی به حساب می آیند می توان به نوشته «دوکوک»^۸ مراجعه کرد. براین اساس عمده ترین وظائف بانک مرکزی عبارتند از:

الف - تنظیم مقررات مربوط به پول ملی به گونه ای که نظام پولی کشور برپایه نیازهای واقعی اقتصاد تنظیم شود. (ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور).^۹

ب - تنظیم مقررات مربوط به حدود و هزینه های اعتبارات اعطایی به دولت و به سیستم بانکی کشور و تغییرات

پولی شبیه بودجه ای مشخص شود. پاره ای از عملیات بانک مرکزی، مانند عملیات بازار باز ماهیتی به کلی پولی دارد و در همه جای دنیا جزو وظایف بانک مرکزی محسوب می شود اجرای عملیات بازار باز سبب تغییر حجم داراییهای دولتی نسبت به حجم داراییهای خصوصی در مجموعه سرمایه گذاریها می شود. برخی دیگر از عملیات بانکهای مرکزی، مانند اعطای اعتبارات ارزان قیمت به بخشهای ویژه اقتصاد، یا تأمین منابع برای طرحهای خاص عمرانی در کشورهای مختلف بر عهده دولت نیز گذاشته می شود. عملیات اخیر است که نمی تواند به طور قاطع در شمار عملیات پولی قرار گیرد. بنابراین این بانکهای مرکزی مسئول این

(۷) در ایران عبارت عملیات بازار آزاد نیز برای این عملیات به کار برده می شود. Open Market Operations

(۸) به کتاب «دوکوک» که درمآخذ شماره ۱۲ آمده است، مراجعه شود.

(۹) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱ و اصلاحات پیوست شده به آن قانون.

می توان وظایف و اعمال شبه بودجه ای بانکهای مرکزی به حساب آورد.

تأثیر فعالیتهای بانک مرکزی بر حسابهای آن

بانک مرکزی هر سال در ترازنامه خود دو نوع حساب به شرح زیر را منتشر میسازد:

الف: حساب سود و زیان

ب: ترازنامه و حساب داراییها و بدهیها.

در حساب سود و زیان تفکیک هزینه ها و درآمدهای جاری و توزیع مازاد عملیاتی (یا راههای تأمین کسری عملیاتی) دیده میشود. بنابراین در حساب سود و زیان بانک مرکزی چهار بخش هزینه ها، درآمدها، تقسیم سود و منابع سود وجود دارد. ۱۲ (جدول شماره ۳ کلی ترین سرفصلهای چهار حساب سود و زیان بانک مرکزی را نشان میدهد.)

کاهش آشکار نسبت سود به حجم عملیات جاری از مشهودات بارز این جدول است. این روند در حالی مشاهده میشود که بانک هر روز بیش از گذشته به دولت پیوند میابد و ارتباط نزدیکتری بین این دو پیدا میشود.

در حساب دوم، یعنی ترازنامه و حساب داراییها و بدهیها، ترکیب داراییها و بدهیهای بانک مرکزی به معرض نمایش در میآید. در جدول شماره ۴ این مجموعه کلی برای سالهای مختلف درج شده است. سرعت رشد داراییها در مقایسه با درآمد و سود بانک مرکزی به مراتب بیشتر است. بررسی تفصیلی میتواند علتهای بروز این حالت را نشان دهد. در هر صورت واضح است که دو حساب پیوندی روشن دارند. بالا رفتن سود عملیاتی (پس از منظور کردن مالیات و سایر انتقالات به دولت) سبب بالا رفتن داراییها میشود که در طرف بدهیها با بالا رفتن رقم مربوط به ارزش ویژه، دو طرف حساب

مربوط به نرخ و ماهیت تنزیل مجدد^{۱۰} (ماده ۱۳ قانون پولی و بانکی کشور).

ج — تعیین حدود مجاز اعتباری به منظور کنترل حجم پول و نقدینگی اقتصاد در سطح مقبول برنامه ریزان پولی و مالی کشور (بندهای مختلف ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور).

د — نظارت بر امور بانکها و مؤسسات اعتباری کشور به منظور حفظ سلامت نظام پولی کشور (بند ب از ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور).

ه — ایفای وظایف بانکداری در ارتباط با دولت (ماده ۱۲ قانون پولی و بانکی کشور).

و — حفاظت از ذخایر بانکها و مؤسسات اعتباری کشور (مندرجات مربوط در ماده ۲۳ قانون پولی و بانکی کشور).

ز — حفاظت و اداره ذخایر ارزی کشور (بندهای «ج»، «د»، «ه» از ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور).

ح — تسویه حساب بین بانکها و تسهیل پرداختها و تسویه حسابهای بانکی (بند ۷ از ماده ۱۳ قانون پولی و بانکی کشور).

در بین وظایف بالا، بندهای «ه» و «ح» در اصل، خدمات بانکی اند و حاصل آنها به وضوح قابل مشاهده است. در واقع دلیلی وجود ندارد که بخش خصوصی نتواند این وظایف را به خوبی یک بانک مرکزی عهده دار شود. پس بانک مرکزی را می توان در جریان اجرای این عملیات نوعی دستگاه عمومی^{۱۱} به حساب آورد. برعکس بندهای «الف» و «د» وظایفی پیچیده اند که تأثیری بسیار غامض بر اقتصاد و سیاستهای اقتصادی می گذراند و نمی توان آنها را به سادگی ارزیابی کرد. نکته مشترک بین تمام این وظایف آن است که همه آنها ماهیتی پولی دارند. سایر وظایف بانکهای مرکزی را

(۱۰) در قانون بانکداری بدون ربا مورخ شهریور ۱۳۶۲، مقررات مربوط به تنزیل مجدد به کلی تفسیر یافته است، زیرا تنزیل متکی به بهره نمی تواند در این نوع بانکداری پذیرفته شده باشد. در سالهای اخیر بانک مرکزی اغلب مبالغی مشخص وام و اعتبار را در اختیار مؤسسات معینی قرار می دهد. طبیعتاً این نوع وام دهی رانمی توان نوعی تنزیل مجدد خواند. برعکس عملیات مربوط در واقع نوعی عملیات شبه بودجه ای است. در ضمن تنزیلهایی که به نرخهای ارزاتر صورت می گیرد ترکیبی از عملیات پولی و عملیات شبه بودجه ای را به وجود می آورد.

(۱۱) بنا به تعریف پذیرفته شده در طبقه بندی سازمانهای بین المللی، دستگاه عمومی (public enterprise) به واحدی گفته می شود که حسابهای آن را بتوان بر بودجه دولت مؤثر دانست و با این اوصاف همه ساله در کنار بودجه، ارقام دارایی و بدهی آنها باید ثبت شود.

(۱۲) در ایران بانک مرکزی سابقه زیان نداشته است. به همین دلیل فقط توزیع مازاد عملیاتی ذکر شده است.

جدول شماره ۳: سرفصلهای کلی حساب سود و زیان بانک مرکزی (میلیون ریال)

| سال | هزینه‌ها = درآمدها | تقسیم سود = منابع سود | درصد سود به درآمد (هزینه‌ها) |
|------|--------------------|-----------------------|------------------------------|
| ۱۳۵۲ | ۱۹/۷۷۸/۱ | ۱۶/۳۳۴/۰ | ۸۲/۶ |
| ۱۳۵۳ | ۷۱/۱۹۹/۷ | ۶۶/۴۸۵/۹ | ۹۳/۴ |
| ۱۳۵۴ | ۷۸/۹۳۷/۳ | ۷۲/۳۹۲/۳ | ۹۱/۷ |
| ۱۳۵۵ | ۱۰۴/۰۳۵/۵ | ۸۴/۴۰۵/۷ | ۸۱/۱ |
| ۱۳۵۶ | ۱۵۵/۲۳۷/۸ | ۱۳۷/۳۴۳/۹ | ۸۸/۵ |
| ۱۳۵۷ | ۱۷۴/۹۹۵/۹ | ۱۶۱/۶۲۴/۲ | ۹۲/۴ |
| ۱۳۵۸ | ۱۵۴/۹۵۱/۳ | ۱۲۲/۵۴۶/۵ | ۷۹/۱ |
| ۱۳۵۹ | ۲۶۵/۱۳۸/۱ | ۲۴۷/۹۳۴/۹ | ۹۳/۵ |
| ۱۳۶۰ | ۱۸۰/۳۰۸/۷ | ۱۵۷/۱۸۷/۹ | ۸۷/۲ |
| ۱۳۶۱ | ۱۷۱/۷۰۴/۶ | ۱۴۴/۲۲۵/۸ | ۸۴/۰ |
| ۱۳۶۲ | ۱۲۴/۷۶۷/۷ | ۹۳/۰۵۶/۶ | ۷۴/۶ |
| ۱۳۶۳ | ۱۱۹/۹۱۴/۰ | ۷۹/۸۴۵/۷ | ۶۶/۶ |
| ۱۳۶۴ | ۱۱۲/۰۷۹/۳ | ۴۵/۸۷۱/۹ | ۴۰/۹ |

مأخذ: ترازنامه و گردش سال بانک مرکزی، سالهای مختلف و بر اساس آخرین سال انتشار

براساس مقررات مربوط به شرکتهای دولتی به صورت مالیات بردرآمد به حساب درآمد عمومی واریز می‌کند و نیز درصد دیگری^{۱۳} را به صورت سهم سود به دولت می‌پردازد (ماده ۲۵، بند ب).

دولت تعهدی در برابر زیانهای عملیاتی بانک مرکزی ندارد و فقط موظف است در مقابله با زیانهای احتمالی حاصل از تغییر برابریهای قانونی نسبت به طلا^{۱۴} و پولهای خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه، اسناد خزانه بی نام با سررسید معین صادر و به بانک مرکزی تسلیم نماید (ماده ۲۶، بند الف)، در مقابل، قانون بانک را موظف کرده است که سود احتمالی ناشی از تغییر برابریهای قانونی نسبت به طلا و پولهای خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه را به مصرف استهلاک اصل و

را بصورت تراز در می‌آورد. نکته حائز اهمیت این است که هر زمان که رشد داراییها بسیار سریعتر از رشد درآمد و سود باشد، بانک مرکزی به جانی کشانیده میشود که منابع مالی خود را به ازای هر واحد دارایی کاهش یافته میبیند و در واقع از سودآوری عملیاتی بانک کاسته میشود. نسبت درآمد به هر هزار ریال دارایی از نقطه اوج ۷۹/۳ ریال در سال ۱۳۵۶ به ۱۴/۰ ریال در سال ۱۳۶۴ نزول کرده است. به همین ترتیب، نسبت سود در مقابل هر هزار ریال دارایی از نقطه اوج ۷۰/۱ ریال در سال ۱۳۵۶ به ۵/۷ ریال در سال ۱۳۶۴ رسیده است. این روند حرکت طبیعتاً مطلوب نیست.

براساس قانون پولی و بانکی کشور (ماده ۲۵، بند الف، بخش ۱)، بانک مرکزی همه ساله درصدی از سود و ویژه خود را

(۱۳) این درصد عبارت است از باقی مانده سود ویژه پس از کسر مالیات بر درآمد قابل پرداخت به دولت، ده درصد برای اندوخته قانونی تا وقتی این اندوخته معادل سرمایه شود، مبلغی بابت اندوخته احتیاطی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تصویب مجمع عمومی.

(۱۴) نظر به اینکه زمان تصویب قانون پولی و بانکی (۱۸ تیرماه ۱۳۵۱) برابری پولها به طلا مانعی نداشت، ارزش ریال ایران معادل یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم (۱۰۸۰۵۵٪) گرم طلای خالص معین شد (ماده ۱، بند ب از قانون پولی و بانکی) و این برابری تا پایان سال ۱۳۶۵ بدون تغییر باقی ماند بالطبع پس از ممنوع شدن برابری پولها به طلا، منظور از تغییر برابری ریال طلا را می‌توان در واقع تضعیف یا تقویت رسمی پول ملی خواند.

جدول شماره ۴: دارائیه‌ها و بدهیهای بانک مرکزی (میلیون ریال)

| سال | داراییها = بدهیها | نسبت درهزار درآمد به داراییها | نسبت درهزار سود به داراییها |
|------|-------------------|----------------------------------|--------------------------------|
| ۱۳۵۲ | ۶۰۰/۱۴۲/۶ | ۳۳/۰ | ۲۷/۲ |
| ۱۳۵۳ | ۱/۱۹۸/۰۵۹/۶ | ۵۹/۴ | ۵۵/۵ |
| ۱۳۵۴ | ۱/۲۸۶/۲۳۴/۷ | ۴۴/۰ | ۴۰/۳ |
| ۱۳۵۵ | ۱/۷۹۶/۰۴۰/۱ | ۵۷/۹ | ۴۷/۰ |
| ۱۳۵۶ | ۱/۹۵۸/۷۱۴/۸ | ۷۹/۳ | ۷۰/۱ |
| ۱۳۵۷ | ۲/۵۴۶/۷۶۴/۸ | ۶۸/۷ | ۶۳/۵ |
| ۱۳۵۸ | ۳/۲۱۰/۱۷۳/۸ | ۴۸/۳ | ۳۸/۲ |
| ۱۳۵۹ | ۳/۹۳۷/۷۸۱/۸ | ۶۷/۳ | ۶۳/۰ |
| ۱۳۶۰ | ۵/۱۶۳/۵۶۷/۱ | ۳۴/۹ | ۳۰/۴ |
| ۱۳۶۱ | ۵/۹۸۹/۵۲۳/۶ | ۲۸/۷ | ۲۴/۱ |
| ۱۳۶۲ | ۶/۶۳۳/۲۶۲/۶ | ۱۸/۸ | ۱۴/۰ |
| ۱۳۶۳ | ۷/۱۹۸/۲۱۴/۵ | ۱۶/۷ | ۱۱/۱ |
| ۱۳۶۴ | ۸/۰۲۳/۵۵۴/۷ | ۱۴/۰ | ۵/۷ |

مأخذ: ترازنامه و گزارش سال بانک مرکزی، سالهای مختلف و براساس آخرین سال انتشار.

مورد بانک اعمال می‌کند. حال آنکه درباره‌ای از موارد، عملیات بانک مرکزی جایگزین سیاستهایی شده است که دولت باید اجرامی کرد و براین روال دولت باید مسئولیت بیشتری را در مقابل خساراتی که از این بابت به بانک مرکزی کشور وارد می‌شود متقبل شود. در این قالب فکری است که برای درک بهتر تأثیر فعالیتهای بانک مرکزی بر دولت باید اقلام درآمد و هزینه حساب ترازنامه و سود و زیان بانک مرکزی را بررسی و ارزیابی کرد.

الف - حساب سود و زیان

۱ - درآمد

یکی از مهمترین و اصلی‌ترین وظیفه هر بانک مرکزی چاپ اسکناس، ضرب سکه و خلق ذخیره است. بانکهای

بهره بدهیهای دولت به بانک مرکزی برساند و مازاد آن را به خزانه دولت تحویل دهد (ماده ۲۶، بند ب) ۱۵. به همین ترتیب، سود و زیان احتمالی ناشی از موافقتنامه‌های پرداخت در اجرای قراردادهای پولی، مالی بازرگانی و ترانزیتی بین بانک مرکزی به نمایندگی از طرف دولت و سایر کشورها (موضوع ماده ۱۲، بند ه از قانون پولی و بانکی) باید به حساب دولت منظور شود و جزو موارد تقسیم یا واجد تأمین در حساب سود و زیان بانک مرکزی نیست (ماده ۲۶، بند ج از قانون پولی و بانکی).

به طور خلاصه، به جز مواردی خاص که در آن دولت، خود را مسئول خسارات و دریافت کننده منافع بانک مرکزی می‌شمرد، در سایر موارد رفتاری مشابه با شرکتهای دولتی را در

(۱۵) به بیان دیگر، در صورتی که بانک مرکزی از محل تغییر ارزش پول یا قوه قهریه سودی کسب کند، این سود نباید مانند سایر اقلام سود در حساب تقسیم سود عمل شود. اما باید ابتدا صرف استهلاك بدهیهای دولت به بانک مرکزی گردد و پس از آن، اگر رقمی باقی ماند، بدون کسر درصدی از آن، مانده به طور کامل به حساب دولت واریز شود.

بسیارند و البته در مقابل این سپرده درآمدی عاید بانک می شود که نرخ آن در حالت متعارف، پایین تر از نرخ بهره یا سود رایج در بازارهای پولی رسمی^{۱۹} کشور است^{۲۰} و جوهی که به صورت نقدی بابت سپرده قانونی دریافت شود،^{۲۱} در بانک مرکزی به مصرف خرید اوراق قرضه دولتی یا تأمین منبع برای اعتبارات اعطایی بانک مرکزی می رسد و از این راه درآمدی عاید بانک مرکزی می سازد.

واقعیت این است که درآمدهای بالا همه در شمار مالیات بر تورم^{۲۲} قرار می گیرد و سهولت دریافت این نوع مالیات در بسیاری از کشورهای در حال توسعه سبب شده است تا از آن به عنوان منبعی در راه تأمین نیازهای مالی دولت استفاده شود.^{۲۳} کار به آنجا رسیده که در بسیاری از موارد بانکهای مرکزی و رای حداکثر نرخ مالیات در جهت حداکثر کردن درآمد خود گام برداشته اند.^{۲۴}

بر اساس قانون پولی و بانکی کشور، مقررات ارزی و تعهد یا تضمین پرداختهای ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار برعهده بانک مرکزی است (ماده ۱۱ بند ج از قانون پولی و بانکی). به این ترتیب، بانک مرکزی کم و بیش انحصار ورود و خروج ارز را در اختیار دارد.^{۲۵} از سال ۱۳۵۸

مرکزی در این وظیفه از انحصار کامل برخوردار می شود^{۱۶} نظر به اینکه هزینه تولید اسکناس و ضرب سکه به مراتب کمتر از ارزش مبادله ای اسکناسها و سکه های تولید شده است، خلق پول به این مفهوم، عملی سودآور به حساب می آید. تفاوت درآمد و هزینه خلق پول که در اصطلاح حق ضرب^{۱۷} خوانده می شود، سودی است که بانک مرکزی کسب می کند. خلق ذخایر، کم و بیش بدون هزینه است ولی درست مانند حق ضرب، سود عاید بانک مرکزی می سازد. در واقع بانکهای مرکزی می توانند «درست مانند پادشاهان دوره های گذشته به خلق پول به پردازند. اسکناسها به قیمت اسمی انتشار می یابند، حال آنکه هزینه چاپ کمتر از ۵ درصد این رقم است.^{۱۸} این وام بدون بهره در اغلب موارد با اوراق بهادار دولتی که جایزه یا سودی به همراه دارند. معاوضه می شود.

عواید اوراق بهادار پشتوانه هم یک منبع درآمد بانک مرکزی را بوجود می آورد. کارمزدهای دریافتی بابت وامهای اعطایی، بخش قابل ملاحظه ای از درآمدهای بانک مرکزی را تشکیل می دهد. بانک مرکزی از بانکهای کشور می خواهد که درصدی از سپرده های خود را به صورت سپرده قانونی به بانک مرکزی

(۱۶) اسمیت (مأخذ شماره ۲۵) در بیان منطق بانکداری مرکزی این وظایف را در شمار انحصارات بانک مرکزی می شمرد. موضوع رقابتی کردن حق ضرب سکه و چاپ اسکناس از طرف معدودی از متفکران اقتصادی مطرح شده است که از آن جمله می توان به «هیاک» (مأخذ شماره ۱۳) اشاره کرد. شاید یافتن موارد عملی این وضع در دنیا امکان پذیر نباشد، اما می توان به مواردی اشاره کرد که کم و بیش ویژگیهای این عدم انحصار را نشان داده اند. به عنوان مثال مراجعه شود به مقاله «و بر» (شماره ۲۸) در فهرست منابع.)

(۱۷) برای مطالعه بیشتر در مورد حق ضرب (Seignorage) مراجعه شود به مقاله «جانسون»، شماره ۱۶ در فهرست منابع.

(۱۸) البته باید توجه داشت که هر قدر ارزش اسمی اسکناس پایین تر باشد، هزینه اسکناس به ازای یک واحد پول بیشتر می شود. از این جهت است که قطع اسکناس را باید با در نظر گرفتن حجم پول در گردش، ضریب چرخش پول و موقعیت اقتصاد از لحاظ دور اقتصادی برگزید. در واقع انتخاب قطع اسکناس رایج در کشور یکی از هنرهای یک بانک مرکزی کارآمد است.

(۱۹) منظور از بازارهای پولی رسمی، بازارهایی است که اعطای وام و اعتبار در آنها از طریق سیستم بانکی و سازمانهای اعتباری رسمی صورت می گیرد. وام دهی آزادبخش خصوصی، عملیات صرافی و اقدام صندوقهای قرض الحسنه غیر بانکی که زیر پوشش و کنترل بانک مرکزی قرار ندارند در شمار بازارهای غیر رسمی قرار داده می شود.

(۲۰) در ایران، بانکهای کشور ملزم بوده اند که درصدی از سپرده های عموم را به خرید اوراق قرضه دولتی تخصیص دهند. بالطبع بازده این اوراق در مقایسه با بسیاری از نرخهای سود و بهره رایج در بازارهای رسمی پایینتر نیست، اما اگر متوسط عایدی بانکهای کشور از محل سپرده های قانونی و اوراق قرضه دولتی مد نظر باشد، نرخ بهره و سود دریافتی بانکهای کشور کمتر از نرخهای رایج در بازارهای رسمی خواهد شد. وجود این وضع طبیعی به نظر می رسد، زیرا سپرده قانونی نباید و نمی تواند جنبه تشویقی داشته باشد. (۲۱) بدون در نظر گرفتن اوراق قرضه اجباری خریداری شده ای بانکها.

(22) Inflation Tax

(۲۳) برای توضیح بیشتر به مقاله «اورن هیمر» مندرج در مأخذ شماره ۲ در فهرست منابع مراجعه شود.

(۲۴) برای توضیح بیشتر مراجعه شود به مقاله «خان و نایت»، مأخذ شماره ۲ در فهرست منابع مراجعه شود. در این مقاله علت های بروز این حالت نیز بحث شده است.

(۲۵) وجود بازار آزاد ارز که از سال ۱۳۶۳ قانونی شده است، تنها مورد استثنا بر انحصار ارزی بانک مرکزی است و در هر صورت بانک خود این را مجاز ساخته است.

جدول شماره ۵: ترکیب درآمدهای بانک مرکزی ۱۳۵۳-۶۴ (درصد)

| YEAR | B-1 | B-2 | B-3 | B-4 | B-5 |
|------|---------|---------|--------|---------|---------|
| 1352 | 86.1458 | 0.0000 | 3.7461 | 0.0000 | 10.1081 |
| 1353 | 77.1599 | 0.0000 | 3.1980 | 0.0000 | 19.6421 |
| 1354 | 83.2820 | 0.0000 | 2.3932 | 0.0000 | 14.3248 |
| 1355 | 77.7228 | 0.0000 | 2.1578 | 0.0000 | 20.1194 |
| 1356 | 63.6558 | 0.0000 | 1.8990 | 0.0000 | 34.4452 |
| 1357 | 79.2991 | 0.0000 | 1.3085 | 16.5324 | 2.8600 |
| 1358 | 47.8323 | 47.8550 | 1.4913 | 0.0000 | 2.8214 |
| 1359 | 43.2336 | 37.7896 | 1.3061 | 15.0778 | 2.5929 |
| 1360 | 21.1800 | 72.4964 | 1.3273 | 0.6751 | 3.8212 |
| 1361 | 17.3819 | 73.9676 | 3.0658 | 4.2554 | 1.3293 |
| 1362 | 39.1543 | 44.7288 | 4.3608 | 10.0896 | 1.6665 |
| 1363 | 21.6630 | 62.1046 | 4.6815 | 10.5226 | 1.0283 |
| 1364 | 18.9051 | 68.6339 | 5.7156 | 6.0228 | 0.7226 |
| 1365 | 9.3003 | 77.8622 | 4.2526 | 6.2113 | 2.3736 |
| 1366 | 7.9961 | 72.1705 | 5.4342 | 6.1223 | 8.2769 |

مأخذ: ترازنامه و گزارش سال بانک مرکزی

B-1: در آمد حاصل از سپرده و سرمایه گذاری در خارج از

کشور

B-2: کارمزد عادی و کارمزد هماهنگی اعتبارات اعطایی

B-3: کارمزد دریافتی بابت خدمات بانکی

B-4: نتیجه معاملات ارز و طلا

B-5: سایر درآمدها

مالیات و تعرفه وضع می‌کند در ایران درآمد حاصل از تفاوت نرخ ارز، متعلق به دولت است و به صورتی مستقیم به حساب خزانه واریز می‌شود. قاعده کلی این است که عواید اخیر باید در شمار درآمدهای مالیاتی دولت قرار گیرد.^{۲۷}

به جز موارد بالا، سایر منابع درآمدی بانک مرکزی عبارتند از: درآمد حاصل از عاملیت دولت، مبالغ دریافتی بابت تسویه حسابها و پایاپای و درآمدهای متفرقه مانند

به بعد به صورت مختلف نظام چند نرخ در کشور به کار گرفته شده است.^{۲۶} وجود سیستم چند نرخ یکی از راههای ایجاد درآمد برای بانکهای مرکزی است. مبالغی که به صورت اضافه بر برابریهای رسمی گرفته می‌شود در واقع درآمدی است که از اعمال حق انحصار توسط بانک عاید می‌گردد. عمل خرید و فروش ارز به نرخهای متفاوت، درست مانند حالتی است که دولت بر تجارت خارجی کشور

(۲۶) پیش از آن نیز نرخ ترجیحی ارز وجود داشت که ۱۱/۵ درصد بیش از نرخ رسمی بود. از سال ۱۳۵۸ تعدد و تنوع نرخهای متفاوت بانرخ رسمی قابل ملاحظه بوده است. (۲۷) در ایران درآمد مذکور جزو درآمدهای غیرمالیاتی دولت ثبت می‌شود که از این نظر حجم این درآمدها را بیش از رقم واقعی نشان می‌دهد. در کشورهایی که عواید حاصل از نظام چند نرخ به حساب بانک مرکزی واریز می‌شود و سپس دولت سهم سود خود را از بانک مرکزی دریافت می‌دارد، در واقع حجم درآمدهای مالیاتی کمتر از واقع نشان داده شده است. از این نظر، وضع کشورهای اخیر به ایران شباهت دارد. لازم به تذکر است که تفاوت نرخ را که در واقع نوعی تضعیف ارزش پول است از آن جهت مالیات حساب می‌کنیم که انتخابی است.

جدول شماره ۱: ترکیب هزینه‌های بانک مرکزی ۱۳۵۲-۱۴ (درصد)
منابع: گزارشنامه و گزارش سال بانک مرکزی

| YEAR | A-1 | A-2 | A-3 | A-4 | A-5 | A-6 | A-7 |
|------|--------|---------|---------|---------|--------|---------|---------|
| 1352 | 5.6097 | 6.2847 | 0.0000 | 5.3311 | 0.1886 | 0.0000 | 82.5859 |
| 1353 | 2.0761 | 2.1322 | 0.0000 | 2.3164 | 0.0956 | 0.0000 | 93.3797 |
| 1354 | 2.8675 | 2.5240 | 0.0000 | 2.8032 | 0.0967 | 0.0000 | 91.7086 |
| 1355 | 2.8087 | 13.2641 | 0.0000 | 2.7020 | 0.0938 | 0.0000 | 81.1314 |
| 1356 | 2.1308 | 6.9985 | 0.0000 | 2.3269 | 0.0706 | 0.0000 | 88.4732 |
| 1357 | 2.4975 | 1.9018 | 0.0000 | 3.1682 | 0.0737 | 0.0000 | 92.3588 |
| 1358 | 3.2342 | 0.1699 | 1.4936 | 3.9174 | 0.0763 | 12.0214 | 79.0872 |
| 1359 | 2.3278 | 0.0870 | 1.0172 | 3.0139 | 0.0425 | 0.0000 | 93.5116 |
| 1360 | 3.2140 | 1.5259 | 2.1529 | 5.8749 | 0.0556 | 0.0000 | 87.1767 |
| 1361 | 3.9936 | 1.5089 | 3.3637 | 7.0771 | 0.0605 | 0.0000 | 83.9962 |
| 1362 | 4.6458 | 1.4383 | 7.7086 | 11.5434 | 0.0801 | 0.0000 | 74.5838 |
| 1363 | 4.9073 | 3.9319 | 10.7968 | 13.3481 | 0.4306 | 0.0000 | 66.5853 |
| 1364 | 5.6775 | 4.1307 | 13.3819 | 13.4380 | 0.4775 | 21.9668 | 40.9276 |
| 1365 | 5.0014 | 4.3301 | 12.9880 | 13.7884 | 0.4519 | 10.9606 | 52.4796 |
| 1366 | 8.0462 | 5.0821 | 21.3098 | 24.7254 | 0.6275 | 13.7301 | 26.4789 |

منابع: گزارشنامه و گزارش سال بانک مرکزی.

A-1 : هزینه کل.

A-2 : هزینه دریافت اعتبارات و اضافه برداشت از بانکها در خارج از کشور.

A-3 : جایزه سپرده قانونی بانکها و جایزه هماهنگی سپرده ملات دار.

A-4 : کاربرد پرداختی بابت خدمات بانکی.

A-5 : استهلاك اموال منقول، غیر منقول و ماشین آلات.

A-6 : نتیجه معاملات ارزی، تبدیل.

A-7 : سود ویژه.

ضرابخانه و امثال آنست. بخش دوم هزینه را بهره و سود پرداختی به سپرده‌های مختلف بانکهای کشور و هزینه انواع وام‌گیریهای بانک مرکزی تشکیل می‌دهد. سومین گروه هزینه‌های عملیات پولی بانک مرکزی، مانند تعدیل بابت نتیجه معاملات ارزی است. چهارمین گروه هزینه‌های بانک مرکزی شامل هزینه‌های شبه بودجه‌ای است که اندازه‌گیری آن اغلب به دشواری صورت می‌پذیرد.

به عنوان مثال، وامهای ارزان قیمتی که بانک مرکزی در اختیار واحدهای دولتی کشور قرار می‌دهد در واقع هزینه‌ای را بر دوش سازمان بانک مرکزی قرار می‌دهد که باید محاسبه و برآورد شود. اعتبارات ترجیحی اعطایی به بخش کشاورزی و طرحهای صنعتی خاص نیز از این شمارند. با وجود این، تمایز دقیق هزینه‌های نوع سوم و چهارم همیشه ممکن نیست. به عنوان مثال، وقتی بانک مرکزی برگه قرضه‌ای را تنزیل می‌کند، در واقع یک کار پولی انجام داده است، اما اگر این تنزیل را به نرخ ترجیحی انجام دهد، آمیخته‌ای از عملیات پولی و شبه بودجه‌ای بروز می‌کند که در تحلیل دقیق باید این دو را از یکدیگر جدا کرد. یافتن و ردیابی دقیق هزینه اقدامات شبه بودجه‌ای بانک مرکزی عملی بس دشوار است. در بیشتر موارد هزینه‌ها به صورت ضمنی باقی می‌ماند. به عنوان مثال اگر وام اعطایی بانک مرکزی با نرخ سودی پایین‌تر از نرخ رایج در بازار باشد، بانک به طور ضمنی هزینه‌ای معادل تفاوت دو نرخ را به ازای هر واحد وام پرداختی پذیرا شده است.^{۲۸} شاید بهترین جا برای شناخت زیانهای بانک مرکزی در نتیجه اعطای وامهای ارزان قیمت، داراییهای بانک باشد که با سرعت متورم می‌شود.

در پاره‌ای ممالک قانون به بانکهای مرکزی اجازه می‌دهد بدهیهای سوخت شدنی و به نسبت، غیرقابل وصول خود را پیش از محاسبه سود ویژه در حسابها منظور نمایند. در ایران، بانک مرکزی نمی‌تواند به حذف بدهیهای پردازد که وصول آنها تردیدآمیز است. حتی قاعده‌ای هم برای

اجاره، به داراییهای ارزی بانک نیز بهره‌ای تعلق می‌گیرد که در آمد آن جزو درآمدهای بانک مرکزی حساب می‌شود. در هر صورت بهره حاصل از سرمایه‌گذاری ذخایر کشور هیچ تفاوتی با بهره دریافتی از سایر داراییهای بانک ندارد. در ایران، نتیجه معاملات ارزی که در واقع نشان دهنده تغییرات ارزشیابی ارزهاست جزو منابع درآمدی حساب می‌شود. (جدول شماره ۵ ترکیب درآمدهای بانک مرکزی را در سالهای مختلف نشان میدهد).

با کاهش داراییهای ارزی و افت نرخ بهره در بازارهای بین‌المللی، سهم درآمد حاصل از سپرده و سرمایه‌گذاری در خارج از کشور روندی به شدت نزولی در پیش گرفته است. در مقابل با بالا رفتن سریع بدهیهای دولت، سیر صعودی شدیدی در کار مزد عادی و کارمزد هماهنگی دریافتی بانک مرکزی بابت اعتبارات اعطایی مشاهده می‌شود. تغییر جهت قطبی شدن درآمد بانک در واقع نشان دهنده تغییر جهت قطبی شدن ساخت داراییهای آن است. نمودارهای شماره ۱ و ۲ به ترتیب نشان دهنده سیر تغییرات سهم درآمد حاصل از سپرده و سرمایه‌گذاری در خارج از کشور و درآمد حاصل از دریافت انواع کارمزد در کل درآمدهای بانک مرکزی است.

در مجموع، درآمد بانک از محل سپرده و سرمایه‌گذاری در خارج از کشور از نقطه اوج ۸۶/۱۵ درصد درآمدهای بانک در سال ۱۳۵۲ و ۸۳/۲۸ درصد درآمدهای بانک در سال ۱۳۵۴ به ۱۸/۹۱ درصد در سال ۱۳۶۴ محدود شده است. در مقابل، سهم دریافتی بانک مرکزی بابت انواع کارمزد که تا سال ۱۳۵۷ به ۴/۰ درصد نمی‌رسد، در سال ۱۳۶۴ به ۷۴/۳۵ درصد افزایش یافته است.

۲ - هزینه

هزینه بانک مرکزی را می‌توان به چهار گروه عمده تقسیم کرد. دسته یکم هزینه‌های اداری مثل پرداخت مزد و حقوق و مزایا به کارکنان، هزینه استهلاک اموال منقول و غیر منقول و هزینه استهلاک ماشین آلات مثل ماشین آلات

(۲۸) شرح مبسوطی از سوبسیدهای اعتباری را می‌توان در مقاله «واتل ورت» مندرج در مأخذ شماره‌ی ۲۷ در فهرست منابع مشاهده کرد.

کنار گذاشتن ذخیره‌ای بابت این قبیل بدهیها وجود ندارد.^{۲۹} سیر زمانی ترکیب هزینه‌های بانک مرکزی در جدول شماره ۶ دیده میشود. سهم سود ویژه از نقطه اوج ۹۳/۵۱ درصد در سال ۱۳۵۹ و ۹۳/۳۸ درصد در سال ۱۳۵۴ به ۴۰/۹۳ درصد در سال ۱۳۶۴ نزول کرده است. در مقابل، هزینه‌های اداری^{۳۰} از ۲/۲۰ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۶/۱۶ درصد در سال ۱۳۶۴ افزایش یافته است. به همین ترتیب، هزینه‌های پرداختی بابت کارمزد در داخل^{۳۱} از ۲/۳ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۲۶/۸۲ درصد در سال ۱۳۶۴ رسیده است. پایین بودن هزینه‌های پرداختی به بانکهای خارجی در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ تا حد زیادی به دلیل محدود شدن ارتباطهای خارجی بانکی در این سالها بود. با وجود این نمی‌توان سیر صعودی این هزینه‌ها را که پس از سال ۱۳۶۲ بروز کرده است، نادیده گرفت. نمودارهای شماره ۳، ۴، ۵ و ۶ به ترتیب نشان دهنده سهم هزینه‌های اداری، هزینه‌های پرداختی به بانکهای خارجی، هزینه‌های کارمزد داخلی و سود ویژه در کل هزینه‌های بانک مرکزی است.

۳ - توزیع سود و تأمین زیان

در تمام کشورهای جهان، سود بانک مرکزی باید دست کم بین بانک مرکزی و دولت تقسیم شود. در بعضی از کشورها و از جمله در ایران بانک مرکزی می‌تواند مبلغی از سود را بین کارکنان بانک توزیع کند. در موارد پرداختهای دیگر نیز مورد قبول است. به عنوان مثال اگر بانک مرکزی سهامداری از بخش خصوصی داشته باشد، قانون پرداخت

سود سهام به وی را مجاز می‌سازد^{۳۲}

در تمام دنیا حدودی برای مبالغی از سود که به بانک مرکزی می‌رسد وضع شده است. در بعضی از کشورها اگر ذخایر به سطحی مشخص برسد، آن وقت مدعی اصلی سود ویژه، دولت است در ایران سهم دولت از محل سود ویژه شامل دو بخش می‌شود: مالیات بردارآمد و سهم دولت در سود. سهم دولت به عنوان مالیات بردارآمد در تقسیم‌بندی سود ویژه مقدم است (ماده ۲۵، بند الف - ۱). پس از آن بانک مرکزی قرار داردولی کنار گذاشتن اندوخته قانونی به میزان ۱۰ درصد سود ویژه تا زمانی اجباری است که رقم این اندوخته به حد سرمایه بانک (در حال حاضر ۱۲۵ میلیارد ریال) نرسیده باشد.^{۳۳} در ایران هیچ قاعده‌ای وجود ندارد که مطالبات دولت از محل سود ویژه بانک بابت استهلاک بدهیهای دولت به بانک مرکزی بکار گرفته شود.^{۳۴}

بزرگترین حجم سود ویژه بانک بابت مالیات بردارآمد به دولت است. این رقم از ۶۰/۰۳ درصد سود ویژه در سال ۱۳۵۹ و ۶۰/۰۹ درصد سود ویژه در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۷، به ۷۵/۱۸ درصد در سال ۱۳۶۴ افزایش یافته است (جدول شماره ۷). با وجود این، سهم انتقالی به دولت از محل سود ویژه^{۳۵} از حد ۹۲/۰۶ درصد در سال ۱۳۵۵ و ۹۲/۰۳ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۸۵ درصد در سال ۱۳۶۴ تقلیل یافته است.

دلیل این تحول را کاهش جدی حجم سود بانک مرکزی

(۲۹) هر چند که بدون تردید وجود هر نوع اقدام احتیاطی می‌تواند در بالا بردن درجه پوشش بانک مرکزی مفید باشد و به نظر نگارنده در حال حاضر هر اقدامی در این زمینه یک ضرورت است.

(۳۰) جمع دو ستون ۸-۱ و ۸-۵ در جدول شماره ۶.

(۳۱) جمع دو ستون ۳-۸ و ۴-۸ در جدول شماره ۶.

(۳۲) در ایران براساس ماده ۱۰، بند ه از قانون پولی و بانکی مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱، سرمایه بانک مرکزی به طور کامل متعلق به دولت است.

(۳۳) اندوخته قانونی بانک براساس ترازنامه‌ی سال ۱۳۶۴، معادل ۷۷ میلیارد ریال شده است. افزایش سرمایه بانک از ۲۵ میلیارد ریال به ۱۲۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰، زمانی صورت گرفت که در سال ۱۳۵۸ اندوخته قانونی به ۲۵ میلیارد ریال رسیده و بنابراین در سال ۱۳۵۹ هیچ نوع سهمی از سود ویژه به اندوخته قانونی نرسیده بود. بالا بردن سرمایه بانک در آن زمان سیاستی در جهت بالا بردن درجه اطمینان بانک مرکزی بود.

(۳۴) زیاد شدن حجم بدهیهای دولت به بانک مرکزی ایجاب می‌کند که اقداماتی در جهت اولویت دادن به استهلاک این بدهیها صورت پذیرد و بدون تردید استفاده از منابع انتقالی به دولت در جریان توزیع سود یکی از عملی‌ترین راه‌هاست.

(۳۵) جمع ۱-۷ و ۴-۷ در جدول شماره ۷.

جدول شماره ۷: ترکیب مصارف سود بانک مرکزی ۱۳۵۲-۱۴ (درصد)

| YEAR | C-1 | C-2 | C-3 | C-4 | C-5 | C-6 |
|------|---------|---------|---------|---------|---------|--------|
| 1352 | 60.1494 | 3.9849 | 3.9849 | 28.4719 | 3.4088 | 0.0001 |
| 1353 | 60.0926 | 3.9908 | 4.7428 | 31.1738 | 0.0000 | 0.0000 |
| 1354 | 60.3233 | 3.9677 | 16.7185 | 18.9904 | 0.0000 | 0.0001 |
| 1355 | 60.3046 | 3.9695 | 3.9695 | 31.7563 | 0.0000 | 0.0001 |
| 1356 | 60.1934 | 3.9807 | 3.9807 | 31.8452 | 0.0000 | 0.0000 |
| 1357 | 60.0875 | 3.9912 | 14.2661 | 0.0000 | 21.6552 | 0.0000 |
| 1358 | 60.4047 | 1.9350 | 0.0000 | 0.0000 | 37.6483 | 0.0000 |
| 1359 | 60.0263 | 0.0000 | 23.8402 | 16.1333 | 0.0000 | 0.0002 |
| 1360 | 60.1681 | 9.9999 | 1.8398 | 27.9920 | 0.0000 | 0.0002 |
| 1361 | 75.2111 | 10.0000 | 5.0000 | 9.7888 | 0.0000 | 0.0001 |
| 1362 | 75.3333 | 9.9999 | 5.0000 | 9.6662 | 0.0000 | 0.0006 |
| 1363 | 75.0854 | 9.9999 | 4.8676 | 10.0193 | 0.0271 | 0.0007 |
| 1364 | 75.1791 | 10.0000 | 4.7022 | 9.8208 | 0.2965 | 0.0014 |
| 1365 | 75.1129 | 9.9998 | 4.9911 | 9.8957 | 0.0000 | 0.0005 |
| 1366 | 75.6050 | 10.0000 | 5.0008 | 9.3924 | 0.0000 | 0.0018 |

منبع: گزارش عملکرد سال بانک مرکزی.

c-1 : مالیات بر درآمد.

c-2 : انتقال به اندوخته قانونی.

c-3 : انتقال به اندوخته احتیاطی.

c-4 : سهم دولت از سود ویژه.

c-5 : مصوبه مجمع عمومی.

c-6 : مانده سود ویژه نقل به سال بعد.

جدول شماره ۸: ترکیب داراییهای بانک مرکزی ۱۳۵۲-۶۴ (برصد)

| YEAR | AST-1,4 | AST-5 | AST-6 | AST-7 | AST-8 | AST-9 | AST-10 | AST-11 | REDIBC | AST-12 | AST-13 | AST-14 | AST-15 |
|------|---------|--------|--------|---------|---------|---------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|
| 1352 | 23.5625 | 0.1454 | 0.0253 | 28.5387 | 25.2813 | 18.6638 | 0.2732 | 8.7484 | 0.8171 | 0.7636 | 0.1855 | 0.0045 | 0.9887 |
| 1353 | 17.8572 | 0.3085 | 0.0129 | 58.5402 | 0.4620 | 24.8759 | 0.2521 | 2.6999 | 0.8783 | 0.7291 | 0.0988 | 0.0043 | 1.3088 |
| 1354 | 21.6741 | 0.1975 | 0.0169 | 36.4727 | 0.7446 | 29.8518 | 0.4726 | 7.3006 | 1.3446 | 0.8266 | 0.1286 | 0.0058 | 0.9792 |
| 1355 | 20.9400 | 0.4104 | 0.0075 | 29.8003 | 1.9412 | 35.5299 | 0.3529 | 8.7201 | 0.2853 | 0.9116 | 0.1241 | 0.0043 | 0.9724 |
| 1356 | 24.2462 | 0.4829 | 0.0069 | 58.5772 | 3.8853 | 26.4305 | 0.3258 | 8.2982 | 0.0527 | 1.0494 | 0.1432 | 0.0048 | 1.0624 |
| 1357 | 40.9459 | 0.5418 | 0.0051 | 16.4477 | 4.8292 | 38.7785 | 0.5294 | 8.2982 | 0.0215 | 0.8781 | 0.1141 | 0.0029 | 1.6864 |
| 1358 | 35.0756 | 0.2728 | 0.8599 | 9.3738 | 5.7768 | 38.7484 | 0.4295 | 7.8433 | 0.0888 | 1.2254 | 0.1099 | 0.0011 | 0.2455 |
| 1359 | 37.9248 | 0.6435 | 2.0138 | 8.8568 | 3.4377 | 35.6379 | 0.0607 | 9.9316 | 0.0000 | 1.0602 | 0.0867 | 0.0011 | 0.3920 |
| 1360 | 31.2044 | 0.4112 | 0.4599 | 13.6125 | 5.6821 | 38.3114 | 0.0001 | 7.9664 | 0.0000 | 0.8511 | 0.0000 | 0.0008 | 1.4134 |
| 1361 | 32.8350 | 0.1667 | 0.2230 | 8.6449 | 2.9699 | 45.5022 | 0.0001 | 7.5866 | 0.0000 | 0.9035 | 0.0788 | 0.0009 | 1.0872 |
| 1362 | 32.5107 | 0.1154 | 0.8412 | 4.5062 | 2.7615 | 51.2952 | 0.0000 | 6.6565 | 0.0000 | 0.9138 | 0.0698 | 0.0009 | 0.3276 |
| 1363 | 31.4372 | 0.1258 | 0.1375 | 0.3503 | 4.0065 | 53.7754 | 0.0000 | 6.6094 | 0.0000 | 0.0595 | 0.0009 | 0.0008 | 0.5067 |
| 1364 | 29.9401 | 0.4293 | 0.1823 | 1.2839 | 0.1019 | 60.9866 | 0.0000 | 3.8912 | 0.0000 | 0.7909 | 0.0452 | 0.0007 | 2.3776 |
| 1365 | 29.9076 | 0.1199 | 0.0975 | 0.4573 | 1.1067 | 64.6488 | 0.0541 | 2.4072 | 0.0000 | 0.8117 | 0.0510 | 0.0014 | 0.3368 |
| 1366 | 28.9048 | 0.2576 | 0.0285 | 0.4884 | 2.4303 | 64.4816 | 0.1060 | 1.9196 | 0.0000 | 1.0367 | 0.0412 | 0.0017 | 0.3916 |

منبع: گزارش و گزارش سال بانک مرکزی

ASS-1,4: پشتوانه اسکناس منتشر نشده.

ASS-5: موجودی اسکناس و بدهیهای فیزی.

ASS-6: طلای آزاد.

ASS-7: ارز و داراییهای ارزی.

ASS-8: اوراق بهادار دولتی.

ASS-9: وام و اعتبار اعطایی به دولت و شرکتها و

مؤسسات دولتی.

ASS-10: وام و اعتبار اعطایی به شهرداریهای

و وام و اعتبار اعطایی به بانکها

ASS-12: تنخواه گردان پرداخت وجوه دولتی نزد بانکها.

ASS-13: اموال غیر منقول پس از کسر استهلاک.

ASS-14: اموال منقول پس از کسر استهلاک.

ASS-15: سایر داراییها.

جدول شماره ۹: ترکیب بدهیهای بانک مرکزی ۱۳۵۳ (درصد)

| YEAR | LIAB 1 | LIAB 2 | LIAB 3 | LIAB4 | LIAB5 | LIAB6 | LIAB7 | LIAB8 | LIAB9 | LIAB10 | LIAB11 | LIAB12 |
|------|---------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|---------|--------|---------|---------|---------|
| 1352 | 23.5625 | 0.6592 | 1.1438 | 0.7924 | 2.2475 | 1.0639 | 0.0000 | 34.2678 | 0.7396 | 19.3217 | 13.1070 | 3.0946 |
| 1353 | 17.8572 | 0.4038 | 2.8255 | 1.0478 | 4.5155 | 2.3425 | 0.0000 | 28.5798 | 0.7448 | 18.0603 | 20.4384 | 3.1844 |
| 1354 | 21.6741 | 0.4188 | 2.3765 | 2.3048 | 4.1513 | 1.3069 | 0.0000 | 33.2223 | 0.9671 | 18.6977 | 12.2110 | 2.6695 |
| 1355 | 20.9400 | 0.3557 | 1.6399 | 2.0251 | 3.3308 | 1.7540 | 0.0000 | 40.4544 | 0.8858 | 16.9042 | 9.9082 | 1.8059 |
| 1356 | 24.2462 | 0.3982 | 1.9154 | 2.3952 | 5.0112 | 2.6512 | 0.0000 | 27.2047 | 0.8542 | 21.1444 | 12.6005 | 1.9788 |
| 1357 | 40.9459 | 0.3246 | 1.1224 | 3.0989 | 4.3682 | 1.5714 | 0.0000 | 22.8908 | 0.5323 | 14.5542 | 9.3550 | 1.2443 |
| 1358 | 35.0755 | 0.2691 | 0.8555 | 2.4448 | 2.5331 | 1.5785 | 0.0000 | 27.9715 | 0.6697 | 19.1593 | 7.8529 | 1.5908 |
| 1359 | 37.9248 | 0.2490 | 0.6976 | 3.6428 | 4.1526 | 1.1161 | 0.0000 | 18.6348 | 0.8071 | 19.4011 | 6.7786 | 6.5963 |
| 1360 | 31.2044 | 0.2319 | 2.2802 | 1.0277 | 1.9787 | 0.9202 | 0.0000 | 17.6423 | 0.6022 | 24.4998 | 6.0499 | 13.2293 |
| 1361 | 32.8350 | 0.3232 | 2.6143 | 1.2910 | 1.9787 | 0.2575 | 0.0000 | 19.3111 | 0.5222 | 29.1375 | 6.0265 | 6.0371 |
| 1362 | 32.5107 | 0.3542 | 2.0218 | 1.3705 | 1.1339 | 0.1453 | 0.0000 | 18.3791 | 0.4812 | 27.9646 | 8.0378 | 6.6047 |
| 1363 | 31.4372 | 0.3726 | 1.8272 | 1.4125 | 0.8766 | 0.1170 | 0.0000 | 19.3716 | 0.5381 | 30.3752 | 5.2336 | 9.4379 |
| 1364 | 29.9401 | 0.3583 | 1.6272 | 1.3453 | 0.4489 | 0.0586 | 0.0000 | 14.9668 | 0.3953 | 34.0373 | 5.6948 | 11.1274 |
| 1365 | 29.9076 | 0.3257 | 1.3639 | 1.2431 | 0.5787 | 0.0762 | 0.0000 | 13.6668 | 0.3671 | 36.0324 | 5.3632 | 11.0753 |
| 1366 | 28.9048 | 0.3010 | 1.1731 | 1.1066 | 0.1887 | 0.0234 | 0.0000 | 14.0546 | 0.4022 | 41.8299 | 3.9153 | 8.1004 |

منابع: گزارش سالانه و گزارش سال بانک مرکزی، ارقام سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ مستقیم

دریافت شده است.

- liab-1 : اسکناس منتشر شده
 liab-2 : پولهای فلزی
 liab-3 : سربانه
 liab-4 : اندوخته‌های قانونی و احتیاطی
 liab-5 : مالیات بر درآمد برداشتی به دولت
 liab-6 : سهم دولت از سود ویژه
 liab-7 : مانده سود سال قبل
 liab-8 : سپرده دولت و شرکتها و مؤسسات دولتی
 liab-9 : سپرده‌های شهرداریها
 liab-10 : سپرده‌های بانکیها
 liab-11 : سایر سپرده‌ها
 liab-12 : سایر بدهیها.

و ۹ به ترتیب سیر سهم ارز و داراییهای ارزی و طلای آزاد بانک مرکزی را در مجموعه داراییهای بانک نشان می‌دهد. در مقابل وام و اعتبار اعطایی به دولت و شرکتها و مؤسسات دولتی از حداقل ۱۰/۶۶ درصد در سال ۱۳۵۲ و در پی یک حرکت قوسی به ۶۰/۹۹ درصد در سال ۱۳۶۴ افزایش یافته است. اگر بخش عمومی^{۳۸} در نظر گرفته شود، سهم این وامها و اعتبارات در سال ۱۳۶۴ به ۶۴/۳۸ درصد می‌رسد. این در حالی است که اسناد تعهد دولت به وثیقه جواهرات ملی و موجودی اوراق بهادار دولتی هنوز در محاسبات در نظر گرفته نشده است. با منظور کردن کلیه منابعی که به نوعی به بخش دولتی مربوط می‌شود^{۳۹} سهم بخش دولتی در داراییهای بانک مرکزی به ۸۸/۲ درصد در سال ۱۳۶۴ می‌رسد. به عبارت دیگر کمتر از ۱۲ درصد از داراییهای بانک چیزی به جز بدهیهای بخش عمومی است. نمودارهای شماره ۱۰، ۱۱ و ۱۲ به ترتیب سهم وامها و اعتبارات دولت، شرکتها و مؤسسات دولتی، وامها و اعتبارات اعطایی به بانکها و اوراق بهادار دولتی را در کل داراییهای بانک مرکزی نشان می‌دهد.

۲ - بدهیها

مهمترین بخش بدهیهای بانک مرکزی (جدول شماره ۹) اسکناس و مسکوک در جریان است سپرده‌های دولتی بانکی و در مواردی که قانون اجازه بدهد، سپرده‌های بخش خصوصی نیز در شمار بدهیهای بانک مرکزی قرار می‌گیرد^{۴۰}. رقم اسکناس منتشر شده که در سال ۱۳۵۷ در نتیجه کمبودها و عدم اطمینانهای ناشی از وضع سیاسی کشور به ۴۰/۹۵ درصد بدهیهای بانک مرکزی رسیده بود، در سال ۱۳۶۴ در سطح ۲۹/۹۴ درصد قرار داشت. متوسط این نسبت برای سالهای ۵۶-۱۳۵۲ معادل ۲۱/۶۶ درصد بود. به

و تا حدی افزایش سرمایه بانک باید دانست. نمودار شماره ۷، سهم انتقالی به دولت را از محل سود ویژه نشان می‌دهد.

بانک مرکزی ایران در طول حدود ۳۰ سال فعالیتش هرگز زیان نداشته است. از این نظر در قانون پولی و بانکی تدابیر ویژه‌ای، به جز در چند مورد خاص^{۳۶}، برای تأمین زیان بانک وجود ندارد.^{۳۷}

ب - ترازنامه بانک

ترازنامه ترکیب داراییها و بدهیهای بانک را نشان می‌دهد. اقلام خارج از ترازنامه مانند ضمانتنامه‌ها نیز وجود دارد. حجم این اقلام در مقایسه با حجم داراییها یا بدهیهای بانک، سیر صعودی نپیموده است.

۱ - داراییها

مهمترین اقلام داراییهای بانکهای مرکزی عبارت است از داراییهای ارزی و داراییهایی که در نتیجه فعالیتها پولی حاصل شده‌اند، اوراق قرضه دولتی و در صورت مجاز شمردن، اوراق قرضه خصوصی، بانک مرکزی می‌تواند به بخش دولتی اعتبار و وام اعطا کند و به ویژه برای پوشش کسری بودجه منابع در اختیار دولت قرار دهد. فعالیتها شبه بودجه‌ای نیز می‌تواند برای بانک مرکزی دارایی بیار آورد.

جدول شماره ۸ ترکیب داراییهای بانک مرکزی را نشان می‌دهد. مهمترین قلم این مجموعه باید ارز و داراییهای ارزی بانک باشد. این دارایی از ۵۰/۵۴ درصد داراییهای بانک در سال ۱۳۵۳ به ۱/۲۹ درصد در سال ۱۳۶۴ سقوط کرده است. سهم طلای آزاد بانک مرکزی در سال ۱۳۵۹ به رقم ۲/۰۱ درصد داراییهای بانک رسید که بالاترین رقم بود. سیر کم و بیش نزولی سهم این داراییها به نقطه ۱۸٪ در سال ۱۳۶۴ ختم می‌شود. نمودارهای شماره ۸

(۳۶) این موارد در قسمتهای قبلی گزارش حاضر بحث شده است.

(۳۷) با در نظر گرفتن روند نزولی سهم سود ویژه در هزینه‌های بانک، نزدیک شدن بانک به مرز زیان دهی چندان حیرت‌انگیز نیست، بنابر این شایسته است پیش از لمس کردن لبه تیغ، تدابیری قانونی برای تأمین بانک مرکزی در نظر گرفته شود.

(۳۸) شامل ستنهای ۹-ASS، ۱۰-ASS و ۱۱-ASS.

(۳۹) عدد از تقسیم رقم مندرج در ستون کل با تنخواه گردان در جدول شماره ۲ بر کل داراییهای بانک مرکزی (بدون داراییهای احتمالی و رقم صندوقها) به دست آمده است.

(۴۰) در ایران بخش خصوصی با بانک مرکزی ارتباطی ندارد و تنها حسابهای کارمندان بانک در شمار بخش خصوصی قرار می‌گیرد.

در گردش منابع پولی است. این نکته را در هر صورت با مشاهده مازاد منابع ساختاری مشهود در حسابهای بانکهای کشور نیز می توان مشاهده کرد. نمودار شماره ۱۷ سهم سپرده های بانکی را در کل بدهی های بانک مرکزی نشان می دهد.

تأثیر اقتصادی عملیات بانک مرکزی

در شرح کارهای بانک مرکزی سه گروه فعالیتها به بانک مرکزی منسوب شد: فعالیت های بانکداری، فعالیت های پولی و فعالیت های شبه بودجه ای.

در زمینه فعالیت های بانکداری، بانک مرکزی را به سادگی می توان یک دستگاه عمومی به حساب آورد. بنابراین این بانک مرکزی مثل یک سازمان خدماتی عادی در مقابل ارائه خدمت کار مزدی دریافت می دارد. از لحاظ تأثیر این عملیات بر کل اقتصاد نیز بانک مرکزی را باید مانند هر سازمان خدماتی دیگر به حساب آورد. در این مورد باید روشی اتخاذ شود که خالص درآمد و هزینه بانک مرکزی به حساب کلی بخش عمومی انتقال داده شود.^{۴۱}

بخش دیگر در آمد بانک مرکزی شامل حق ضرب و درآمد ناشی از عملیات بازار باز و وام دهی است. درآمد بانک بابت حق ضرب در واقع نوعی دریافت بابت خدمات نقدینگی پول است.^{۴۲}

عملیات بازار باز مبادله ای اوراق بهادار با پول پایه^{۴۳} را نشان می دهد و به این ترتیب مسیر عرضه و هزینه ی پول تغییر می یابد.

هدف از تنزیل مجدد کمک به بخش پولی است تا بر مشکل موقت کمبود نقدینگی چیره شود در نتیجه این اقدامات، منابع تحت کنترل بخش خصوصی تغییر می یابد.

عبارت دیگر سهم اسکناس منتشر شده در کل دارایی های بانک به مراتب بالاتر از سیر تاریخی آن قرار دارد. نمودار شماره ۱۳ سیر سهم اسکناس و مسکوک را در کل بدهی های بانک مرکزی نشان می دهد. سرمایه و اندوخته بانک نیز به تدریج اهمیت خود را از دست داده است. نمودارهای شماره ۱۴ و ۱۵ هر یک از این دو متغیر را نشان می دهد.

سپرده های دولتی بتدریج رو به کاهش گذاشته است. این سپرده ها که در سال ۱۳۵۵، ۴۵/۴۰ درصد بدهی های بانک مرکزی را به وجود می آورد، در سال ۱۳۶۴ فقط سهمی معادل ۹۷/۱۴ درصد داشت. به این ترتیب دولت به تدریج منابع بیشتری را از بانک مرکزی دریافت کرده و مبالغ محدودتری را نزد بانک مرکزی به سپرده گذاشته است. نمودار شماره ۱۶ سهم سپرده های دولت را به کل بدهی های بانک مرکزی نشان می دهد.

در مقابل این تحولات، سهم سپرده های بانکها نزد بانک مرکزی روندی صعودی داشته است. سپرده های اخیر که ترکیبی از سپرده های قانونی و آزاد بانکها را در بر می گیرد از حداقل ۵۵/۱۴ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۴/۳۴ درصد در سال ۱۳۶۴ رسیده است. تردیدی نیست که تحولات سال ۱۳۵۷ نقش بارزی در پایین آوردن سپرده های بانکها نزد بانک مرکزی داشت. اما اگر متوسط سهم سپرده های بانکها برای پنج سال ۵۶-۱۳۵۲ که رقم ۸۳/۱۸ درصد است ملاک قرار گیرد، هنوز رقم سال ۱۳۶۴ در سطحی به مراتب بالاتر از روال تاریخی قرار دارد. انباشته شدن این مقدار منابع بانکی نزد بانک مرکزی آن هم در حالتی که بانک مرکزی پیوسته بر حجم اسکناس و مسکوک منتشر شده می افزاید نشانه ای از افت قابل ملاحظه کارایی سیستم بانکی کشور

(۴۱) در دستورالعمل ثبت آمارهای دولت از انتشارات صندوق بین المللی پول گفته شده است که هزینه های دستگاه های عمومی را باید با درآمدهای آنها پاپیا کرد و حاصل کار را به صورت کسری (مازاد) در حساب هزینه (درآمد) دولت نشان داد. برای توضیح بیشتر به صفحات ۲۲ تا ۲۵ و جداول رابط صفحات ۲۵۳ تا ۲۷۳ از دستورالعمل، شماره ۱۵ در فهرست منابع مراجعه شود.

(۴۲) دریافت حق ضرب سابقه ای بس طولانی دارد و به زمان امپراتورهای روم می رسد. «هیاک» (منبع شماره ۱۳) این سابقه تاریخی را شرح می دهد. «ژان بودن» اولین کسی بود که ضرب سکه را جزو لازم ترین ابزار قدرت دولتها خواند (منبع شماره ۴). او گفت دولت باید به صورت انحصاری حق ضرب دریافت دارد. انتشار پول کاغذی هم در واقع سابقه تاریخی وام گیری اجباری دولتها از مردم را نشان می دهد. در آن زمان هر وقت که دولت به منافع اضافی نیاز داشت به اجبار از ثروتمندان پول دریافت می کرد و رسیدی کاغذی به آنها می داد.

(43) Base money

جریان وام‌گیری مطرح می‌شود هزینه پول دریافتی از بانک مرکزی است. گفته می‌شود که پرداخت بهره یا کارمزد در واقع جیب به جیب شدن منابع است. بنابراین این در بیشتر موارد دولت کارمزدی بابت منابع دریافتی نمی‌پردازد.

وقتی هزینه بهره یا کارمزد پرداختی دولت صفر یا کمتر از نرخ رایج در بازار باشد، دولت به هزینه واقعی تأمین منابع پی نمی‌برد. از این جهت بهتر است که بانک مرکزی از وام‌دهی ترجیحی به دولت خودداری ورزد. با وجود این، وقتی سود بانک کم و بیش به طور کامل به دولت انتقال داده می‌شود، مطالبه نرخ رایج بازار نمی‌تواند دولت را از وام‌گیری از بانک مرکزی بازدارد. در ایران در سالهای اخیر ۸۵ درصد از سود بانک مرکزی به دولت برگشت داده شده است (جدول و نمودار شماره ۷). بنابراین این دولت فقط به اندازه نقش کارمزد در ۱۵ درصد باقیمانده سود می‌تواند فشار هزینه منابع را بپذیرد. به عبارت دیگر، هزینه اضافی کارمزد با درصدی از افزایش درآمد جبران می‌شود. یگانه تأثیر باقیمانده، گسترش پولی اقتصاد است که در جریان کار به وجود می‌آید.

در حالی که وام‌گیری دولت از بانک مرکزی پایه پولی را بیش از حد مطلوب برنامه و میزان پولی گسترش دهد، بانک مرکزی باید هزینه تنظیم و کاهش دادن دوباره رشد نقدینگی را بپذیرد و این هزینه اضافی نیز از درآمد بانک می‌گاهد و به هزینه مؤثر تأمین منابع برای دولت می‌افزاید. در این قبیل موارد در بسیاری از کشورها بانکهای مرکزی اوراق قرضه تثبیتی^{۴۴} را به بانکها عرضه می‌دارند. به این اوراق، بهره تعلق می‌گیرد. در مواردی که انتشارچنین اوراقی مرسوم نباشد، بانک مرکزی می‌تواند با پرداخت نرخ بهره رایج در بازار، منابع اضافی بانکها را به صورت موقت جمع‌آوری کند. وقتی هزینه گردآوری منابع توسط بانکها زیاد باشد، بانک مرکزی مجبور می‌شود نرخ بهره سپرده‌های قانونی بانکها را نیز افزایش دهد تا آنکه سیاست پولی برگران شدن پول نیفزاید. تمام این اقدامات برای بانک

با وجود این، هیچ یک از این دو اقدام را نمی‌توان مشابه وام‌دهی دولت به بخش خصوصی تلقی کرد. تفاوت این اقدامات با وام‌دهی دولت در سه زمینه انگیزه، درجه فراهم بودن منبع و امکانات بازپرداخت باید بررسی شود.

انگیزه روش پولی از آن جهت متفاوت است که بانک مرکزی فقط می‌خواهد به هدف پولی خاصی برسد و میل ندارد منابع تحت کنترل یک صنعت یا یک رشته فعالیت را تغییر دهد. دریافت کننده نهایی هر که باشد، سیاست پولی فقط به تغییر نقدینگی می‌اندیشد.

از لحاظ فراهم بودن، در سیاست پولی و تنزیل مجدد منابع به هر بانک که نیازمند آن باشد داده خواهد شد، حال آن که در سیاستهای اعتباری دولت به جز نیاز متقاضی برنامه‌ریزیهای دولت نیز مطرح می‌شود.

سرانجام، باید توجه داشت که در حرکت‌های پولی، منابع مربوط به تنزیل مجدد دست آخر بازپرداخت می‌شود. در وام‌دهی دولت، دریافت کننده منابع در بیشتر موارد توانایی پرداخت را ندارد و در موارد متعدد بهترین وضعی که می‌توان تصور کرد این است که بخشی از منابع پرداختی اولیه در جریان کار بازپرداخت شود. هزینه اضافی دولت در اصل باید در جهتی باشد که هدفهای برنامه‌ای را برآورده می‌سازد. به طور خلاصه، کلیه اقدامات پولی بانک مرکزی را باید به صورت جداگانه ارزیابی کرد و هرگونه سود یا زیان ناشی از آن را باید به حساب بانک مرکزی منظور نمود. در ایران بانک مرکزی تنها به وظیفه چاپ اسکناس می‌پردازد و عملیات بازار و تنزیل مجدد را انجام نمی‌دهد. بنابراین این زیانی بابت عملیات پولی پذیرا نمی‌شود.

وام‌دهی مستقیم به دولت

در کشورهایی که بازارهای مالی جا افتاده و گسترده وجود ندارد، یگانه وسیله‌ای که دولت می‌تواند از آن به طور مؤثر برای تأمین منابع از داخل استفاده کند، همان وام‌گیری مستقیم از سیستم بانکی و به ویژه از بانک مرکزی است که به عنوان بانکدار دولت عمل می‌کند. یکی از نکاتی که در

(۴۴) از این جهت به این اوراق، اوراق قرضه (Stabilization bonds) گفته می‌شود که هدف بانک مرکزی از فروش آن جلوگیری از گسترش پایه پولی و بروز تورم است.

در جهت توسعه و تغییر ساخت اقتصاد مؤثر است. به گفته «سییرز»^{۴۷} بانکهای مرکزی باید بتوانند به سرعت روشهای تغییر جامعه را بیابند. این بانکها باید تیزبین و تحول‌پذیر باشند. بنابر این استقلال نباید و نمی‌تواند نقش بانک مرکزی را در جهت ایجاد جامعه‌ای سالم و پیوسته رو به توسعه نفی کند.

اولین کسی که از سهم مؤثر بانک مرکزی در توسعه اقتصاد سخن گفت «جان مینارد کینز»^{۴۸} بود. با وجود این نوشته‌های وی تا مدتها به دست فراموشی سپرده شد. بعدها بیشتر محققان نقش توسعه‌ای بانک مرکزی را در اعطای اعتبارات ارزان قیمت و ایفای وظایف شبه بودجه‌ای خلاصه کردند و مشکلات ناشی از آن را به دلیل مزیتی که می‌توانست از لحاظ فعال نگاه داشتن دولت داشته باشد، نادیده گرفتند.^{۴۹}

واقعیت این است که وظیفه بانک مرکزی را در ایجاد شبکه پولی سالم در کشور باید به مراتب با اهمیت‌تر دانست و اگر بانک مرکزی بتواند سلامت حرکت نقدینگی را تضمین کند، کمک فعالی به سالم سازی اقتصاد و پایه‌گذاری توسعه انجام داده است.

بانک مرکزی به عنوان وام دهنده نهایی^{۵۰} در زمانهای بحران نقدینگی می‌تواند اقتصاد را از سقوط برهاند و به عنوان ضامن سلامت شبکه بانکی کشور می‌تواند اعتماد عمومی را چنان جلب کند که منابع مالی پس‌اندازی مردم به سیستم بانکی راه یابد و پایه‌ای پرقدرت برای راه‌اندازی اقتصاد و توسعه باشد. وجود شبکه‌های جا افتاده تضمین در

مرکزی هزینه‌ساز است و در نهایت از سود بانک می‌کاهد. اگرچه در ایران بانک مرکزی از امکانات خود در این زمینه استفاده معدودی می‌کند، اما بالا رفتن سهم هزینه‌های پرداخت کارمزد به داخل (جدول شماره ۶ و نمودار شماره ۵) را می‌توان تا حدی به افزایش بار ناشی از وام‌گیری گسترده دولت منسوب کرد.

به طور خلاصه، دولت از بانک مرکزی برای پرداخت هزینه وجوهی استفاده می‌کند که در واقع برای تأمین کسری بودجه به کار می‌رود. به این ترتیب، اقتصاد هزینه‌ای را بابت بدهکاری دولت می‌پردازد. ظاهر اقدام بانک مرکزی یک حرکت پولی است، اما در اصل انگیزه شبه بودجه‌ای دارد.^{۴۵} مادام که بانک مرکزی سود می‌دهد، دولت بخشی از هزینه خود را به صورت کاهش درآمد دریافتی از بانک مرکزی متقبل می‌شود. وقتی که بانک مرکزی از مرز (سوددهی) بگذرد، آن وقت دولت تمام هزینه را بر دوش مقامات پولی می‌گذارد. بنابر این، لازم است که هزینه واقعی وام‌گیری دولت از بانک مرکزی ارزیابی و شناسایی شود. از این دیدگاه است که گفته می‌شود بانک مرکزی باید در برابر دولت استقلال داشته باشد و بررسی‌ها نشان داده است که کسری بودجه دولتهایی که بانک مرکزی مستقیماً دارند به مراتب پایین‌تر است.^{۴۶}

بانک مرکزی در مقام پیشگام در توسعه اقتصادی

اگرچه استقلال بانک مرکزی از دولت به عنوان یک حرکت کلی مقبول است، اما نباید تصور شود که بانک مرکزی مستقل نمی‌تواند و نباید به فعالیتهای دست‌بزنند که

(۴۵) از این دیدگاه، وقتی بانک مرکزی اوراق قرضه دولتی را از بازار خریداری می‌کند، وضعی مشابه پیش می‌آید و هزینه‌های حاصل از فعالیت بانک مرکزی را باید ناشی از فعالیتهای شبه بودجه‌ای دانست.

(۴۶) به عنوان مثال مراجعه شود به مقاله «بوردکین ولنی» (شماره ۶ فهرست منابع) و مقاله «سارجنت» (شماره ۲۱ فهرست منابع) «سارجنت» به ویژه در مورد کشورهای آلمان، اتریش مجارستان، و لهستان بررسیهای دقیقی انجام داده است. به گفته «تسلینی» (شماره ۲۶ فهرست منابع) بالا رفتن استقلال بانک مرکزی از پولی شدن بدهیها (monetization debt) می‌کاهد و میزان کسری بودجه را کاهش می‌دهد.

(۴۷) به کتاب «سییرز» شماره ۲۳ فهرست منابع مراجعه شود.

(۴۸) به کتاب «کینز»، شماره ۱۷ فهرست منابع مراجعه شود.

(۴۹) معایب این برخورد به تفصیل در ابتدای این مقاله بحث شده است.

محک تجربه صحت کلام بانک را به اثبات رسانید، جدیت سازمان باید افزوده شود.

بر این گفته باید نکته‌ای اضافه گردد. اگر بانک مرکزی می‌خواهد مشاور شبکه بانکی و تمام مسئولان کشور باشد، آن وقت باید خود، از نیروی متخصص موجود در بانک نهایت استفاده را بکند^{۵۴}. در این قالب است که مسئولان بانک باید از خود پرسند آیا ادارات تحقیقاتی آنها به بهترین نحو در جریان تمام فعالیتهای سازمان و کشور قرار می‌گیرد و آیا مشاوران اقتصادی بانک می‌توانند با استقلال تمام نظرات خود را در اختیار هیئت عامل بانک و مسئولان کشور قرار دهند؟

در پاره‌ای از کشورها، قانون پولی و بانکی حضور رئیس اداره تحقیقاتی بانک را در جلسات شورای پول و اعتبار و تمام نشستهای پولی رسمی الزامی دانسته است.^{۵۵} در قانون پولی و بانکی ایران رئیس اداره بررسیهای اقتصادی حتی عضو بی‌حق رأی شورای پول و اعتبار، هیئت نظارت بر اندوخته اسکناس یا هیچ گروه پولی مشابه نیست. هر قدر امکانات تحقیقاتی بانک گسترده‌تر باشد، وابستگی متخصصان به مقامات کمتر می‌شود و در این قالب استقلال نظر دست اندرکاران تحقیق می‌توانند زمینه مطلوبی برای بومی کردن دانش فنی برنامه‌ریزی و تنظیم حرکتهای پولی به وجود آورند.

برای گسترش شبکه اطلاعاتی بانک مرکزی اداره اعتبارات باید دامنه فعالیتهای خود را از حد هماهنگ‌سازی اعتبارات اعطایی به مشتریان بزرگ گسترده‌تر نماید و کنترل اعتبارات را با سوق دادن منابع به جانب فعالیتهای

این حرکت بسیار مؤثر است.^{۵۱} اگر بتوان بانک مرکزی را سازمانی مستقل و نه شعبه‌ای از وزارت دارایی، به حساب آورد، آن وقت بانک باید منبع بی‌نظیری از متخصصان باشد که بتوانند در هر زمینه‌ای نظرات مشورتی خود را به خزانه و دولت ارائه دهند. این وظیفه حتی در کشورهای پیشرفته‌ای مانند بریتانیا که صدها مرکز تحقیقی هر روز در آن فعالانه به ارزیابی اقتصاد می‌پردازند، وظیفه‌ای بسیار با اهمیت تلقی می‌شود.^{۵۲} وقتی کشور در حال توسعه‌ای در نظر گرفته می‌شود که تحقیق در آن حکم کیمیا را دارد و دانش فنی به ندرت در آن جا بومی می‌شود، سنگینی بار مسئولیت بانک مرکزی روشن‌تر می‌گردد. بانک مرکزی باید بتواند در هر لحظه طرحهایی در جهت راه‌اندازی و گسترش ساخت مالی پویا در جامعه ارائه دهد و در هر حال در راه تغییر مناسب بافت مالی چاره ساز باشد. بانک مرکزی موقعیتی منحصر به فرد دارد که می‌تواند با بازار پول، دولت و مسئولان برنامه‌ریزی تماس مستقیم حاصل کند و به دلیل استقلال می‌تواند خط رابط بی‌طرف بین این سه مجموعه باشد. به گفته «سیبیرز»^{۵۳} «اگر بانک مرکزی در اجرای وظیفه فنی خود به خوبی تجهیز شده باشد می‌تواند عقاید خود را به وضوح اعلام دارد و به رغم بیان نظرات، بدون از دست دادن حیثیت ملی، قضاوت مردم را که در قالب دستگاه سیاسی مرکزی بیان می‌شود، بپذیرد.» به بیان دیگر، بانک مرکزی باید بگوید و باید شنیده شود، اما نباید تصور کند که گوش نکردن به نظرهای بانک حیثیت آن سازمان را به باد داده است. برعکس، اگر نظرات شنیده شده به اجرا در نیامد و

(۵۱) به عنوان مثال می‌توان به روشهایی برای تضمین سپرده‌ها یا پرداخت سود جذب کننده برای سپرده‌های بزرگ یا به نسبت بلند مدت اشاره کرد. تنظیم نرخ بازده پس‌انداز باید با دقت و شناخت همه جانبه از بازده سرمایه در داخل اقتصاد صورت پذیرد.

(۵۲) جادارد در این جا گفته شود که «مونتگو نورمن» (Montagu Norman) رئیس کل بانک مرکزی انگلستان در سال ۱۹۲۶ از حامیان این نظر بود و خود چنان در این زمینه فعالیت داشت که هنوز پس از گذشت سالها نظرات سازنده مشورتی بانک مرکزی انگلستان در زمان ریاست وی به یادآورده و ستوده می‌شود. «نورمن» زمانی نوشت: «به گمان من بانک حق ویژه‌ای دارد که بتواند به جراید نظر مشورتی بدهد و این کار راحتی تا مرحله نق زدن ادامه دهد. البته بانک در همه حال این وظیفه را به قبول برتری مقام دولت انجام می‌دهد». مراجعه شود

Royal Commission on Indian Currency and finance: Minutes of Evidence: Vols; 1926; Non-parliamentary Question 14597.

(۵۳) به «سیبیرز» شماره ۲۲ فهرست منابع مراجعه شود.

(۵۴) در این زمینه به مقاله «چاندراوکار» شماره ۷ فهرست منابع مراجعه شود.

(۵۵) به عنوان مثال در فیلیپین و سری‌لانکا، البته رئیس اداره تحقیقات اقتصادی حق رای ندارد.

بازر موضوعات بررسی ارزی ماهیت ارزی است که در تجارت خارجی به کار گرفته می شود. امکان دارد حتی به جهت سابقه تاریخی و روال متعارف، پرداختهای کشور همیشه به ارزی صورت پذیرد که ارزش آن رو به افزایش است یا دریافتهای کشور به ارزی باشد که ارزش آن رو به کاهش است. در این حالت، قدرت خرید کشور به واسطه بی توجهی کاهش می یابد حال آن که وجود یک بانک مرکزی هشیار و علاقه مند به توسعه می تواند از این زیان ناخواسته جلوگیری کند. مطالعه حرکت و تغییرات ارزشها باید جزو موضوعات تحقیقاتی مداوم بانکهای مرکزی باشد و کوچکترین معیار ارزیابی عملکرد بانک می تواند سود یا زیان خود بانک مرکزی در این زمینه باشد که به صورت نتیجه معاملات ارزی ثبت می شود. بانک نباید تنها به این یک معیار محدود بسنده کند. ادارات تحقیقاتی بانک باید پیوسته پرداختهای کشور را بر اساس ارزشهای گوناگون ارزیابی نمایند و نتایج احتمالی معاملات ارزی را برآورد کنند. بانکهای مرکزی باید سیاستی در جهت بهینه سازی ارزش نامبرده شده در صورت حسابهای دریافت و پرداخت خود داشته باشند.

اگر قرار است دانش فنی مالی بومی شود، آن وقت باید بانک مرکزی در آموزش دهی به کادر بانکی و دست اندرکاران در امور پولی و مالی پیشگام و راهنما باشد. غم انگیز است که در بیشتر بانکهای مرکزی کشورهای در حال توسعه اطلاعات و دانش فنی اطلاعات^{۵۶} تا این حد دست کم انگاشته می شود. آموزش بدون بررسی اطلاعات، آمار و ارقام و بدون بهبود کیفی اطلاعات معنی و مفهوم ندارد. بهترین متخصصان عالم نیز نمی توانند بدون بررسی کامل اطلاعات و آمارهای یک کشور یا با تکیه بر اطلاعات نادرست و نابسازگار تحلیل درستی از وضع مملکت به دست دهند. اقتصاددانان یا متخصص پولی و مالی معجزه گر نیست.

توسعه ای هماهنگ سازد. در این زمینه باید موضوعات قابل تحقیق با توجه به مشکلات توسعه ای شناسایی شود. به عنوان مثال، گسترش دانش فنی واسطه ای مالی^{۵۶}، تأثیرهای منطقه ای سیاستهای پولی، بررسی مداوم قوانین پولی و بانکی و دستورهای اجرایی، تحقیق درباره ابزارهای جدیدی که می توانند جایگزین ابزارهای قدیم شوند یا بانک با استفاده از آنها قادر است بهتر به کنترل شبکه پولی پردازد، بدهیهای در حال سوخت شدن شبکه بانکی و بررسی علتهای تغییر در میزان بدهیهای از این نوع، شیوه های جدید تأمین منابع، نکات مثبت و منفی در مورد سیاستهای اعتباری متکی به وثیقه، تغییر روشهای دریافت پول از حساب و پرداخت پول به حساب، امکانات بالا بردن عمر اسکناس در گردش یا کاهش مصرف اسکناس، همه جزو موضوعاتی است که باید در همه حال زیر بررسی باشد و دست کم هر سال چندین گزارش در مورد آن نوشته شود. تحقیقات بانک مرکزی باید بر جنبه های کلان واسطه مالی بودن تأکید نماید و ریزه کاریهای مربوط به بالا بردن کارایی هر یک از بانکها را به ادارات تحقیقاتی آن بانکها واگذار کند.

یکی دیگر از مشکلاتی که باید پیوسته توسط بخش تحقیقاتی بانک مطالعه شود، مسائل ارزی کشور به ویژه در حالت انحراف از نظام تثبیت نرخ ارز است. وقتی شناوری نرخ ارز یا چند نرخ شدن برقرار شود، بهینه سازی ارزی چه از لحاظ مجموعه ارزشهای موجود در بانک و چه از نظر ماهیت مصرف آنها موضوعی است که بانک مرکزی باید به آن توجه خاص داشته باشد. تخصیص منابع ارزی با در نظر گرفتن ارزآوری و ارزیابی فعالیتهای متقاضی ارز می تواند در بلندمدت امکانات ارزی کشور را تقویت کند. نباید فراموش کرد که کمبود ارزی یکی از مشکلات اساسی بیشتر کشورهای در حال توسعه است.^{۵۷} یکی از نمونه های

(56) Intermediate Financial Technology

(57) وجود منابع ارزی سرشار حاصل از صادرات نفت تا مدتها ما را در موقعیتی قرار داده بود که برنامه ریزی ارزی را غیر ضروری می شمردیم. این وضع سبب شد که از یک سو توجه به راههای رسیدن به منابع با ثبات تر درآمدی نادیده گرفته شود و از سوی دیگر مقامات پولی تجهیز منابع داخلی را موضوعی نه چندان با اهمیت بشمرند

(58) Information Technology

ویژه برای رفع مشکل مازاد منابع ساختاری بانکهای کشور نیست. وقتی این قبیل مازادها بروز می‌کند، مشکلات ساختاری جریان توسعه‌ای کشور را مختل ساخته است. دست آخر نباید فراموش کرد که بانک مرکزی در کشورهای در حال توسعه، حتی اگر خود نوآور نباشد، می‌تواند از مجموعه‌ای از ابزارهای شناخته شده استفاده کند که تعداد آنها کم نیست در زیر به پاره‌ای از زمینه‌های ممکن فعالیت بانک مرکزی اشاره می‌شود: سیاستهای جذب پس انداز، بیمه سپرده‌ها، تضمین اعتبارات، شراکت در سرمایه و مدیریت سازمانهای توسعه‌ای، تعیین هدف برای سرمایه‌گذاری بر سهام و اوراق بهادار، تنوع نرخهای بهره، تنوع نرخ و تسهیلات تنزیل، تنوع نرخ و ماهیت ذخایر قانونی، توزیع سود بانک مرکزی، نرخ گذاری بر نسبت اعتبار به سپرده در کل کشور و در مناطق مختلف، فعال سازی ادارات تحقیقاتی و اعتباری، تنوع در سیاستهای بازار باز و برقراری امکانات در زمینه قرار داد با خرید^{۶۳} این مجموعه تنها مشتی از خروار زمینه‌هایی است که بانک مرکزی می‌تواند با بهینه‌سازی امکانات در آنها به توسعه اقتصادی کشور کمک کند. تردیدی نیست که یک بانک مرکزی فعال و پیشگام در توسعه اقتصادی با در نظر گرفتن امکانات خود می‌تواند به ارائه راه‌حلهایی بپردازد که از این قالب کلی به مراتب گسترده‌تر است.

کلام نهایی

در این مقاله دیده شد که توهم عمومی دال بر آنکه بانک مرکزی برای فعال بودن در زمینه توسعه اقتصادی باید منابع مالی در اختیار دولت قرار دهد، سبب شده است که از یک سو دولت به شدت به داخل و به ویژه به سازمانهای

او تنها می‌تواند با بررسی اطلاعات و آمار و از راه شناخت و مطالعه دایمی آنها به ارشاد مسئولان سازمان بپردازد. بانک مرکزی علاقه‌مند به توسعه می‌تواند نقش مؤثری در پر کردن خلاء موجود در ساخت مالی کشور در حال توسعه بازی کند بانک می‌تواند به جای «دنباله روی در تقاضا» در همه حال «پیشگام در عرضه» باشد. بانک باید در همه حال مشکلات لحظه‌ای بازار پول را بشناسد و جریان پس اندازها را با سیر تقاضا برای سرمایه‌گذاری مطابق سازد. بانک باید نوآور^{۵۹} و فعال ساز^{۶۰} باشد.

بانک مرکزی باید بتواند سیاستهایی را ارائه کند که هزینه اعتبارات را برای بخشهای اصلی توسعه‌ای کاهش دهد. کاهش هزینه را نباید تنها در ارائه انواع نرخهای کارمزد و بهره دید. اگر در تنوع دادن به نرخها اغراق شود، کارها پیچیده‌تر می‌شود. در هر حال استفاده از سقف اعتباری حد شراکت بانک، نسبت اعتبارات ترجیحی به سایر اعتبارات اعطایی بانکها^{۶۱} و سیاستهایی از این قبیل می‌تواند تسهیلات همه جانبه‌ای در فعالیتهای شبکه بانکی کشور به وجود آورد و وظیفه نظارت بانک مرکزی را نیز ساده‌تر سازد.

استفاده از نرخهای متفاوت ذخایر قانونی و ترکیبهای گوناگون می‌تواند بانکها را به پذیرش سپرده‌های مختلف تشویق کند. ابزار سپرده قانونی را نباید به شدت به کار گرفت که بانک منابع آزاد برای اعطای اعتبار در اختیار نداشته باشد. سپرده قانونی تنها برای تضمین سلامت فعالیت بخش پولی است. بندرت دیده شده که بانکهای مرکزی کشورهای در حال توسعه از سپرده‌های ویژه^{۶۲} برای جذب مازاد منابع کوتاه مدت بانکهای کشور استفاده کنند. بانکهای مرکزی باید بدانند که ابزار سپرده قانونی و سپرده

(59) Innovator (60) Catalyst

(۶۱) یک مثال بارز در مورد ایران استفاده از روشهایی است که براساس آن نسبت مشخصی برای سهم اعتبارات کشاورزی و اعتبارات خدماتی در مجموعه اعتباری بانک گذاشته می‌شود. بانک در واقع هزینه اعتبارات کشاورزی را از محل اعتبارات خدمات جبران می‌کند. رسم متداول در ایران سقف گذاری بر رشد مانده اعتبارات است که در آن رشد اعتبارات خدماتی را صفر می‌گذارند.

(۶۲) سپرده‌های ویژه (Special deposits) نوعی از سپرده قانونی است که روی منابع مازاد بانکها دریافت می‌شود. نرخ بهره یا سود پرداختی به این نوع سپرده‌ها حتی از نرخ بهره یا سود سپرده قانونی عادی پایین‌تر است. بانک مرکزی با کاربرد این ابزار به بانکها فشار می‌آورد که منابع دریافتی خود را به اقتصاد تزریق کنند و از این طریق بر رونق اقتصادی بیفزایند.

(63) Repurchase Agreement

8- Chandavarkar, Anand G.; "Keynes and Central Banking"; Indian Economic Review; Vol XX; no 2; July-Dec. 1985; PP 283-97.

9- Chandler, Lester, V.; "Central Banking and Economic Development"; Bombay; India; 1962.

10- Chang, Roberto J.; "Monetary Authorities Net Results as part of Government Deficits;" IMF Working paper; Sep. 1985.

11- Collins, Charles; "On the Choice of Central Banking Institutions in Small Developing Countries;" IMF, DM series; 8th June 1982.

12- De Kock, M.H.; "Central Banking;" London; Granada Publishing Co; 1974.

13- Hayek, Friedrich August von; "Denationalization of Money;" Hobart special paper no 70; Institute of Economic Affairs; 1976.

14- International Monetary fund; "A Guide to Money and Banking statistics in International Financial statistics;" Dec. 1984.

15- International Monetary fund; "A Manual on Government Finance statistics;" 1986.

16- Johnson, Harry G.; "A Note on Seignorage and the social saving from substituting Credit for commodity Money;" in Mundell, Robert A. and Swoboda, Alexander K.(eds.); "Monetary Problems of the International Economy;" University of Chicago Press; 1969.

17- Keynes, John Maynard; "The Collected writings of John Maynard Keynes: Vol 1, Indian Currency and Finance;" Macmillan; st. Martins Press; 1971.

18- McCarthy, Ian S.; "Deposit Insurance; Theory and Practice;" IMF staff papers; Vol 27; 1980; pp 578-600.

19- Parkin, Michael; "Domestic Monetary Institutions and Deficits;" in Buchanan James M.; Rowley, Charles K.and Tollison, Robert D. (eds.); "Deficits;" Oxford: Basil Blackwell; 1986; pp 310-37.

20- Robinson, David and stella, Peter, "Amalgamating Central Bank and Fiscal Deficits;" IMF Working paper; 26th Oct. 1987.

21- Sargent, Thomas J.; "The Ends of four Big Inflations;" in Hall, Robert E.(ed.); "Inflation: Causes and Effects;" Chicago University Press; 1982; pp 41-97.

22- Sayers, Richard S.; "The Role of Central Bank in a Developing Economy;" in DECE;" in DECD;"

پولی داخلی بدهکار شود و از سوی دیگر بدهیهای موجود سلامت بانک مرکزی را در معرض خطر قرار دهد. برای رهایی از این وضع بانک مرکزی باید استقلال داشته باشد، اما استقلال به معنی گریز از توسعه نیست. زمینه‌های متعددی وجود دارد که بانک مرکزی با فعالیت در آن زمینه‌ها می‌تواند به توسعه یک اقتصاد سالم کمک کند و در هر حال در مقام یک مشاور هشیار و زیرک، مسئولان مملکت را در جریان حرکت‌های اقتصادی بگذارد و پیش از بروز حادثه وقوع آن را پیش‌بینی نماید. در این حالت است که بانک مرکزی می‌تواند به فراگیری سازمانی^{۶۴} پردازد که پایه اصلی پیشرفت در جهان امروز است و در این راه مشوق تمام سازمان‌های مملکتی نیز باشد.

فهرست منابع

الف: منابع خارجی:

1- Ahking, Francis w.and Miller, Stephen M.; "The Relationship Between Government Deficits, Money Growth and Inflation, Journal of Macroeconomics; Vol 7;1985; PP447-467.

2- Aurenheimer, Leonardo; "The Honest Government Guide to Revenue form the Creation of Money"; Journal of Political Economy; Vol 82; May - June 1974; PP 598-611.

3- Banaian, king; Laney, Leroy O.and Willet, Thomas D.; "Central Bank Independence: An International Comparison"; Economic Review; Federal Reserve Bank of Dallas; March 1983; PP 1-13.

4- Bodin, jean; "The Six Books of a Commonweale"; London; 1606.

5- Brimmer, Andrew F.; "Central Banking and Economic Development"; The Journal of Money, Cerdit and Banking"; Vol III; n04; Nov. 1971; PP 780-82.

6- Burdekin, Richard C.K. and Laney, Leroy O.; "Fiscal Policy Making and the central Bank Institutional Constraint"; Kyklos; Vol 41; 1988, Fasc. 4;PP 647-62.

7- Chandavarkor, Anand G.; "Promotional Role of Central Banks in developing Countries"; IMF Working Paper; 27th March, 1987.

ب: منابع فارسی

- ۱- بانک مرکزی، «قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۸ تیر ۱۳۵۱».
- ۲- بانک مرکزی، «ترازنامه و گزارش سال بانک مرکزی» ۶۴ - ۱۳۵۲.
- ۳- خلعت بری، فیروزه، «بررسی آثار و مفاهیم کسری بودجه»، بانک مرکزی، ۱۳۶۴.

Problems of Development; European Productivity Agency; Jan. 1961; pp 33-45.

23- Sayers, Richard S.; "Central Banking in Underdeveloped Countries;" in "Central Banking After Bagehot;" 1959; pp 108-33.

24- Sen, S.N.; "Central Banking in Underdeveloped Money Markets;" 1967.

25- Smith, Vera; "The Rationale of Central Banking;" London: P.S. King and Son: 1936.

26- Tabellini, Guido; "Money, Debt and Deficits in a Dynamic Game;" Journal of Economic Dynamics and Control,» Vol 10; 1986; pp 427-42.

27- Wattleworth, Michael; "Credit subsidies in Budgetary Lending; IMF DM series; 26th May 1983.

28- Weber, Ernest Juerg; "Currency Competition in Switzerland, 1826-1850;" Kyklos; Vol 41; 1988; Fasc. 3; pp 459-78.